

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۵ فیروزی ۲۰۲۵

ترمیسیسم شکاف بزرگی در روابط دولت‌های سرمایه‌داری ایجاد کرده است!

مقدمه

دونالد ترامپ نه نماینده برگزیده اکثریت مردم و طبقات اقتصادی-سیاسی امریکا؛ بلکه نماد تام و تمام وال استریت و انباشت غیرعادلانه ثروت به حساب و نماد سرمایه‌داری می‌آید؛ اما رای‌دهندگان امریکائی او، در درون یک سیستم به شدت در انحصار یک درصد حاکم، تحت تاثیر شعارهای او قرار داشتند و ترامپ در این راه، به اندازه‌ای پیش رفت که حتی با نخبگان اصلی حزب جمهوری‌خواه نیز در افتاد.

او در بخش تامین هزینه های انتخاباتی اش نیز برخلاف عرف معمول در امریکا و برعکس رقیب‌اش که متکی به لابی‌ها، موسسات مالی، شرکت‌های چندملیتی، کشورهای خارجی، رسانه‌های بزرگ و... بود از همان ابتدا اعلام کرد که در نظر دارد فارغ از نفوذ و سلطه لابی‌ها، تمام مخارج مورد نیاز برای کمپین‌های انتخاباتی‌اش را خود تامین کند تا در آینده مجبور نباشد دولتی بر پایه مشارکت و سهمیه‌بندی لابی‌های دوران انتخابات، تشکیل دهد.

در نتایج انتخاباتی هم مشخص شد که بعد از سفیدپوست‌ها، گروه‌های دیگری که به ترامپ رای دادند، کارگران، طبقات محروم و در حاشیه جامعه یعنی همان انکارشده‌های ۹۹ درصدی که هیچ‌گاه از سوی آن یک درصد حاکم دیده نشدند و به‌نظر نیامدند و نیز طبقه متوسط بودند که بر علیه سنت لیبرالی حاکم بر سیاست امریکا شورش کردند و در نهایت، توانستند یک نامزد غیر معمول اما خارج از سیستم را وارد کاخ سفید کنند. چرا که هیچ آلترناتیو دیگری نداشتند.

حتی در انتخابات مقدماتی و درون حزبی امریکا نیز حضور شان به‌شانه رقیب‌اش که میلیون‌ها رای به دست آورد؛ ولی در نتیجه یک لابی‌گری سرمایه‌داران و در راس همه «ایلان ماسک» توسط، کنار زده شد، به‌خوبی نشان داد که تمایل به تغییر بر علیه طبقه حاکم و تغییر در ساختار هسته مرکزی قدرت تاکنون، در میان امریکائی‌ها بیش از هر زمان دیگری موج می‌زند؛ همان چیزی که پیش از آن، در انگلیس و امریکا به قدرت‌گیری تاجریسم و ریگانیسم انجامید. با این تفاوت که اکنون اوضاع جهان در مقایسه به دهه‌های قبل پیچیده‌تر شده است و سرمایه‌داری جهانی به رهبری دولت جدید خود سرمایه‌داران در امریکا، عزم‌شان را جزم کرده‌اند تا اوضاع جهان را به نفع قدرت‌گیری مستقیم سرمایه‌داران و احزاب محافظه‌کار و نژادپرست تغییر دهند و به عمر دولت‌های لیبرال و پوپولیست حامی سرمایه خاتمه دهند. بنابراین، یک چرخش به راست سریع و جدید در سطح اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان به رهبری دولت ترامپ راه افتاده است.

ترمپ ادعا کرده است که جزیره گرینلند دانمارک، کانال پاناما، غزه را تصاحب کند. کمک‌هایی که امریکا به اوکراین کرده است باید همراه با بهره‌اش منابع زیرزمینی خود را به امریکا واگذار کند. او اعلام کرده است که سلاح‌های جا گذاشته شده در افغانستان را بازپس بگیرد. او بارها تاکید کرده است که اگر جمهوری اسلامی با امریکا مذاکره نکند اسرائیل به ایران حمله خواهد کرد و... نخستین سیاست‌های ترمپ در رابطه با همه این نوع ادعاهایش نخست معامله و مذاکره است اگر از این راه موفق نشد جنگ است و بس!

او ادعا کرده است که دور امریکا دیوارهای بلند خواهد کشی که هیچ پناهنده و مهاجری نتواند از آن عبور کند. اکنون نیز مشغول اخراج پناهندگان و مهاجرین است به طوری که حتی پناهندگان ایرانی و افغانی در امریکا را به هوایم‌های نظامی و با دستبند و پابند به جنگ‌های پاناما فرستاده است.

این مهاجران، که در چارچوب سیاست‌های دولت دونالد ترمپ برای اخراج افراد فاقد مدرک قانونی از امریکا اخراج شده‌اند، هفته گذشته با سه پرواز به پاناما رسیدند. خوزه راثول مولینو، رئیس‌جمهور پاناما، اخیراً توافق کرده که این کشور نقش یک «پل» را برای مهاجران اخراجی از امریکا ایفا کند. به گفته دولت پاناما، این گروه فعلاً به اردوگاهی در استان دارین منتقل خواهند شد که در حال حاضر مهاجرانی در آن اسکان داده شده‌اند که از مسیر مناطق جنگلی عازم امریکا بودند.

در ویدیویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، یکی از مهاجران به زبان فارسی شرح می‌دهد که آن‌ها پس از عبور از مرز امریکا بازداشت شده‌اند و به آن‌ها گفته شده که به تگزاس منتقل می‌شوند، اما در نهایت سر از پاناما در آورده‌اند.

اکنون غرب با یک زلزله سیاسی و ایدئولوژیک سراسری، مواجه است؛ زلزله‌ای که پیش‌بینی می‌شود طی ماه‌های آینده در انتخابات‌های پیش رو در فرانسه، آلمان، ایتالیا، هالند و اتریش، ابعاد گسترده‌تری پیدا کند و با قد برافراشتن بی‌سابقه جریان‌های چپ و راست متأثر از گفتمان‌های رو به توسعه ناسیونالیزم، اسلام‌ستیزی، بیگانه‌هراسی، حرکت‌های ضد مهاجرت، بومی‌گرایی افراطی و... از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، غرب و نظام لیبرال دموکراسی حاکم بر آن را به چالش بنیادین وجود و عدم فراخواند.

رای بسیاری از رهبران اروپائی به‌ویژه آن‌هایی که اخیراً در اجلاس امنیتی مونیخ حضور داشتند، شرایط کنونی به‌وضوح با گذشته تفاوت دارد. برای نخستین بار از سال ۱۹۴۹، دلایل جدی وجود دارد که باور کنند رئیس‌جمهور ایالات متحده نه‌تنها به ناتو بی‌اعتنا و به رهبران اروپائی بی‌توجه است، بلکه عامدانه رویکردی خصمانه در قبال بسیاری از کشورهای اروپائی اتخاذ کرده است.

در حالی که اروپا، همواره مهم‌ترین شریک استراتژیک واشنگتن محسوب می‌شد، اکنون به‌نظر می‌رسد که ترمپ نگاه خود را تغییر داده و روسیه، تحت رهبری ولادیمیر پوتین را به‌عنوان یک گزینه مطلوب‌تر در نظر گرفته است. گمانه‌زنی درباره روابط نزدیک ترمپ با پوتین سال‌ها مطرح بوده، اما اکنون نشانه‌های بیش‌تری از آن وجود دارد که این تمایلات در حال شکل‌دهی به سیاست خارجی امریکا هستند.

به این ترتیب، ترمپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود، خانه‌تکانی شدید در کاخ سفید و کل نهادهای دولتی و اجتماعی ایالات متحده امریکا با چیدن کابینه‌اش با افرادی مانند «رکس تیلسون»، وزیر امور خارجه و مدیرعامل سابق «اکسون موبیل»، «ویلبر راس»، وزیر بازرگانی، سرمایه‌گذار معروف به «پادشاه ورشکستگی» وال استریت و وزیر خزانه داری، «استیو منوچین»، یک بانکدار سرمایه‌گذار، الیگارش‌ی را به کاخ سفید آورد. اما اینک رئیس‌جمهور منتخب که در طول مبارزات انتخاباتی خود قول داده بود «امریکا را دوباره ثروتمند کند» از خود پیشی گرفته

است و تعداد بی‌سابقه‌ای از میلیاردرها را برای دولت دوم خود انتخاب کرده است. در حالی که با گذشته یک ماه هزاران تن از کارمندان امریکائی از ادارات مختلف توسط ایلان ماسک اخراج شده‌اند. او از سوزی ترمپ ماموریت دارد تمام ادارات و کارمندان دولتی که مخالف ترمپ و یا وابسته به رقابیش هستند به بهانه‌های مختلف اخراج کند و همه کمک‌های دولتی به نهادهای مختلف داخلی و خارج را قطع کند.

دونالد ترمپ، شامگاه جمعه ۲۱ فوریه‌سوم اسفند) در اقدامی کم‌سابقه و قابل توجه، عالی‌ترین مقام نظامی این کشور را برکنار کرد. این اقدام به نوعی سیاست‌زدگی را وارد فرآیند انتخاب رهبران ارشد نظامی امریکا کرد. ژنرال چارلز براون، خلبان چهارستاره و دومین آفریقائی‌تباری که به مقام ریاست ستاد مشترک نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا رسیده بود، از سمت خود برکنار شد.

دونالد ترمپ در پیامی که در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» منتشر کرد، نوشت: «می‌خواهم از ژنرال چارلز «سی.کیو.» براون به‌خاطر بیش از ۴۰ سال خدمت به کشورمان، از جمله دوران خدمت به‌عنوان رئیس کنونی ستاد مشترک ارتش، قدردانی کنم. او فردی شریف و رهبری برجسته است.»

ژنرال براون توسط جو بایدن، رئیس جمهوری امریکا، منصوب شده بود و دوره چهار ساله وی تا سال ۲۰۲۷ به پایان نمی‌رسید.

در مجموع، شش مقام ارشد پنتاگون روز جمعه از کار برکنار شدند. در میان آن‌ها می‌توان به دریاسالار لیزا فرانکتی، نخستین زنی که فرماندهی نیروی دریایی امریکا را بر عهده داشت، ژنرال جیمز اسلایف، معاون ستاد نیروی هوایی و همچنین مشاوران ارشد حقوقی ارتش اشاره کرد.

پر بازتاب‌ترین سخنان ترمپ:

من دونالد جی ترمپ خواستار ممنوعیت کامل ورود مسلمانان به امریکا هستم... بر اساس تحقیقات موسسه پیو و دیگر موسسات نظرسنجی، در بخش‌های بزرگی از جوامع مسلمان تنفر شدیدی نسبت به امریکائی‌ها وجود دارد. من می‌توانم وسط خیابان پنجم بایستم و به مردم شلیک کنم و رای‌دهندگانم را از دست ندهم. (اظهارات ترمپ در یکی از سخنرانی‌هایش در ایالت ایووا در حالی که انگشتش را به نشانه شلیک به سمت حاضران گرفته)

به حامیانم و به همه کسانی که به من رأی خواهند داد و به همه مردم امریکا قول می‌دهم، اگر پیروز انتخابات من بودم نتیجه انتخابات را تمام و کمال بپذیرم. (ترمپ در مناظره آخرش در این‌باره گفته بود، الان پاسخ نمی‌دهد. او پیش‌تر نیز گفته بود نتیجه انتخابات هرچه باشد نمی‌پذیرد)

من یک دیوار بزرگ خواهم ساخت و باور کنید هیچ‌کس نمی‌تواند بهتر از من دیوار بسازد. من این دیوارها را با هزینه بسیار کم خواهم ساخت. یک دیوار بسیار بسیار بزرگ در مرزهای جنوبی‌مان و مکزیک را وادار می‌کنم هزینه ساخت این دیوار را بپردازد.

وقتی مکزیک مردمش را به امریکا می‌فرستد بهترین‌هایش را نمی‌فرستد آن‌هانی را می‌فرستد که مشکلات بسیاری دارند و آن‌ها مشکلاتشان را به کشور ما می‌آورند. آن‌ها مواد مخدر و جرم را با خود می‌آورند، آن‌ها متجاوزان جنسی هستند.

نیویورک برف می‌بارد و همه‌جا در حال یخ زدن است؛ آیا ما به گرم شدن زمین نیاز داریم؟
آی‌کیو من یکی از بالاترین آی‌کیوهاست و همه شما این را می‌دانید. لطفا خیلی احساس حماقت یا ناامنی نکنید این مشکل شما نیست.

دولت دوم ترمپ شکاف بین دولت‌ها را عمیق‌تر کرده است

دولت دوم ترمپ، مطمئناً تلاش‌های تهاجمی خود را برای مقررات‌زدائی پی گرفته است، به‌ویژه با هدف قرار دادن اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست. ترمپ آماده است تا اقدامات شدیدی مانند ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، تمدید قانون کاهش مالیات و اخراج شاغلان را که به‌نفع شرکت‌ها و ثروتمندان بود و از بین بردن شبکه‌های تامین اجتماعی دست بزند.

رئیس‌جمهور امریکا، دونالد ترمپ، روز چهارشنبه ۱۹ فوریه، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین را «دیکتاتور بدون انتخابات» خواند و هشدار داد که اگر به سرعت برای دستیابی به صلح اقدام نکند، دیگر کشوری برای اداره کردن نخواهد داشت.

ترمپ این اظهارات را ساعتی پس از آن بیان کرد که زلنسکی به ادعای او مبنی بر این‌که اوکراین مسوول آغاز تهاجم گسترده روسیه در سال ۲۰۲۲ بوده است، واکنش نشان داد و گفت که رئیس‌جمهور امریکا در دام تبلیغات گمراه‌کننده روسیه افتاده است.

ترمپ در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «یک دیکتاتور بدون انتخابات، زلنسکی بهتر است سریع اقدام کند وگرنه دیگر کشوری برایش باقی نمی‌ماند.»

در واکنش به این اظهارات، آندری سبیبها، وزیر خارجه اوکراین گفت که هیچ‌کس نمی‌تواند کشورش را مجبور به تسلیم شدن کند و افزود: «ما از حق خود برای موجودیت دفاع خواهیم کرد.»

زلنسکی پیشنهاد داده که شرکت‌های امریکائی در ازای دریافت تضمین‌های امنیتی از سوی واشنگتن، حق استخراج مواد معدنی ارزشمند در اوکراین را داشته باشند، اما گفته که ترمپ این پیشنهاد را نپذیرفته است.

زلنسکی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «امریکا تاکنون ۶۷ میلیارد دلار کمک تسلیحاتی و ۵/۳۱ میلیارد دلار حمایت بودجه‌ای به اوکراین ارائه کرده است. درخواست ۵۰۰ میلیارد دلاری امریکا برای مواد معدنی، اصلاً یک گفت‌وگوی جدی نیست. من کشورم را به فروش نمی‌گذارم.»

صدراعظم آلمان «دیکتاتور» نامیدن ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، را اشتباه دانست و نخست‌وزیر بریتانیا نیز در تماسی تلفونی با زلنسکی بر حمایت لندن از او تاکید کرد.

صدراعظم آلمان «دیکتاتور» نامیدن ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، را اشتباه دانست و نخست‌وزیر بریتانیا نیز در تماسی تلفونی با زلنسکی بر حمایت لندن از او تاکید کرد.

در حالی که مقام‌های امریکائی و روسی به منظور گفت‌وگو برای پایان دادن به جنگ اوکراین روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه -۲۰۲۵ ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ در ریاض عربستان حضور دارند، رهبران اروپا روز دوشنبه ۱۷ فوریه در اجلاس دیگری در پاریس بر ضرورت افزایش بودجه دفاعی خود تاکید کردند. رئیس‌جمهوری اوکراین نیز با هدف دیگری به امارات و ترکیه سفر کرد.

نخست‌وزیر بریتانیا برای اولین بار به‌صراحت اعلام کرد که در صورت توافق مسکو، حاضر است نیروهای حافظ صلح بریتانیا را به اوکراین اعزام کند. هم‌زمان نخست‌وزیر سوئد نیز اعلام کرد که کشورش احتمال مشارکت در این ماموریت را بررسی خواهد کرد.

یک روز پس از اعلام آمادگی بریتانیا برای اعزام نیروهای حافظ صلح به اوکراین، اولف کریسترسون، نخست‌وزیر سوئد خبر داد که کشورش احتمال مشارکت در این ماموریت را بررسی خواهد کرد. او تاکید کرد که تصمیم‌گیری در این زمینه به پیشرفت مذاکرات بستگی دارد.

کریسترسون در حاشیه یک رزمایش نظامی در استکهلم، در پاسخ به پرسش رویترز درباره احتمال مشارکت سوئد در این ماموریت گفت: «ما در این گفت‌وگوها شرکت خواهیم کرد و البته این موضوع کاملاً یک احتمال است.»

بریتانیا و سوئد در حالی این اظهارات را مطرح کردند که هفته گذشته دولت آمریکا به رهبری دونالد ترامپ با مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها نشان داد که قصد دارد تعهدات دفاعی واشنگتن در اروپا را کاهش دهد و مذاکرات صلح اوکراین را بدون حضور رهبران اروپایی پیش ببرد.

هفته گذشته دونالد ترامپ و پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا به‌طور تلوخا گفتند که بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی اوکراین و پیوستن این کشور به ناتو که از اولویت‌های ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین محسوب می‌شود، چندان برای واشنگتن اهمیت ندارد.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین می‌گوید به وزرای خود دستور داده است توافق پیشنهادی برای دسترسی آمریکا به معادن عناصر کمیاب این کشور را امضا نکنند، زیرا این توافق بیش از حد به نفع آمریکا تنظیم شده است.

به گفته دو مقام ارشد اوکراینی پیشنهادی که در گفت‌وگوی زلنسکی با جیدی ونس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ مطرح شد، هیچ تضمین امنیتی مشخصی در ازای بهره‌برداری از منابع معدنی اوکراین ارائه نکرده است.

یک مقام ارشد کاخ سفید تصمیم زلنسکی برای امضا نکردن این توافق را «کوتاه‌بینانه» توصیف کرده است. به گفته مقام‌های اوکراینی این پیشنهاد به شکلی تنظیم شده بود که آمریکا بتواند از منابع معدنی کمیاب اوکراین «به‌عنوان جبران کمک‌های قبلی دولت بایدن» و همچنین «به‌عنوان پرداختی برای حمایت‌های آینده» استفاده کند.

اوکراین دارای ذخایر گسترده‌ای از مواد معدنی کمیاب است که در صنایع هوانوردی، دفاعی و هسته‌ای کاربرد دارند. دولت آمریکا پیش‌تر با هدف کاهش وابستگی به چین، علاقه خود را به دسترسی به این ذخایر اعلام کرده بود.

زلنسکی اما تاکید کرده که هرگونه بهره‌برداری از این منابع باید با ارائه تضمین‌های امنیتی برای جلوگیری از تجاوزهای آینده روسیه همراه باشد.

او افزود: «برای من، ارتباط بین تضمین‌های امنیتی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی بسیار مهم است.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جدید آمریکا به محض استقرار در کاخ سفید، وضعیت اضطراری اعلام کرد تا بتواند مانع از تداوم روند مهاجرت شود. در سال‌های اخیر، دولت‌های لیبرال، با وضع قوانین خاص تحت عنوان «موقعیت‌های فوق‌العاده»، توجیه‌گر ایجاد محدودیت در آزادی‌های عمومی شده‌اند. بسط کنترل پلیس، تعمیم تفتیش و تجسس و تضعیف کنترل‌های قضائی از این جمله است. گفته می‌شود این اقدامات به صورت موقت اعمال می‌شود، اما جنبه دائمی یافته و استثناء، تبدیل به قاعده می‌گردد و قوانین جدید همه اصول و مقررات و معاهده‌ها و میثاق‌های جهان‌شمول بین‌المللی و آزادی و برابری نسبی و نیم‌بند را محدودتر می‌کند.

جنبش‌ها و انقلابات قرن‌های نوزدهم و بیستم روند پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را در راستای منافع مردم ایجاد کرد. در اروپا؛ جهش افکار سوسیالیستی و اعتصاب‌های کارگران به آن‌ها حق ابراز نظر و داشتن نماینده‌های سندیکائی را داد. «انقلاب فرانسه» منجر به درگرفتن بحث‌های گسترده سیاسی و به رسمیت شناختن آزادی انجمن‌ها در سال ۱۸۸۱ و حق داشتن وکیل برای افراد متهم (قانون کنستانتس ۸ دسامبر ۱۸۹۷) شد. در طول قرن بیستم، مبارزات روشنفکران و فیلسوفانی چون سیمون دوبوار و تظاهرات بزرگ زنان از سال‌های دهه ۱۹۷۰، باعث آزادی سیاسی و قضائی زنان شد.

جنگ‌های اول و دوم جهانی نقشی محرک یا شتاببخش ایفا کرد. پس از سال ۱۹۴۵، جرایم و جنایات بی‌سابقه ارتكابی توسط نازی‌ها و حکومت ژاپن باعث تصویب عهدنامه‌هایی شد که حقوق اساسی را «بدون تمایز در نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب» برای همه تأمین می‌کرد. از این جمله، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (۱۹۴۸) بود که ملت‌های تحت استعمار با استناد به آن به هدف‌های آزادی و استقلال‌طلبانه خود دست یافتند. میثاق‌هایی دیگر، مانند دو عهدنامه‌ای که در سال ۱۹۶۶ تصویب شد که یکی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی و دیگری درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود که مدارک «منطقه‌ای» زیادی مانند «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» (۱۹۵۱) و نیز «منشور آفریقائی حقوق بشر و ملت‌ها» (۱۹۸۱) از جمله آن‌ها بود.

اما در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، تهدیدهایی که متوجه امنیت اجتماعی است، جنبش‌های اروپا را فراگرفته است که غالباً عامل پیشرفت افکار لیبرالی و اجتماعی بوده‌اند. به این ترتیب، دولت‌های غربی، سال‌هاست که تعرض بی‌سابقه‌ای را حتی علیه گرایش‌های سوسیال دموکرات و لیبرال راه انداخته‌اند و برخوردهای شدیدی با جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش زنان، جنبش روشنفکران، جنبش بازاگلاسگان، جنبش زیست محیطی و غیره را در دستور مسایل روز خود قرار داده‌اند. سرکوب خشونت‌بار جنبش «جلیقه زردها» در فرانسه در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ نشان‌دهنده این امر است. این یک دکترین و رشته اقدامات خشن در راستای حفظ و گسترش منافع سرمایه‌داران است. اما اکنون نیا روی کار آمدن مجدد ترمپسیم، فاشیسم رسماً از زبان دولت ترمپ به گوش می‌رسد. در عرصه اجتماعی، از کار انداختن مداوم قانون کار و تشدید اقدامات مرعوب‌کننده‌ای مانند بازداشت فعالین سندیکائی و روزنامه‌نگاران، از جمله گام‌های بزرگ بازگشت به عقب است.

تفکر آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی و انسان‌دوستانه عصر روشنگری، که مدتی طولانی بر قاره اروپا حاکم بود، اکنون جای خود را به گروه‌های دارای منافع و قائل‌شدن امتیاز‌هایی جدید، یعنی روسای شرکت‌ها و موسسه‌های سرمایه‌داری کمپانی‌های بزرگ داده است و از لغو قوانین مالیاتی به‌نام ضرورت نوآوری سود می‌برند و این را مجموعه مقررات اتحادیه اروپا و امریکا نشان می‌دهد.

اکنون به‌نظر می‌رسد سرمایه‌داران بزرگی همچون ایلان ماسک با رئیس سرمایه‌دارشان دونالد ترمپ، نقشه جهان را مانند ناپلئون روی میز خود قرار داده‌اند و در نظر دارند برخلاف دولت‌های سابق مدافع سرمایه‌داری، مستقیماً دولت‌های خودشان در غرب به وجود آورند که تفکر فاشیستی دارند و به‌طور عریان تر و هاتر از سرمایه‌داری دفاع می‌کنند. همین سیاست جدید ترمپ باعث شده است که شکاف جدید در میان دولت‌های سرمایه‌داری به وجود آید. مطلب پیش رو همین شکاف را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.



ایلان ماسک

ایلان ماسک است؛ یک الیگارش فناوری و فاشیست دوقبضه که ثروتمندترین فرد جهان است. او «حداقل ۲۶۰ میلیون دلار» برای کمک به ترمپ به منظور انتخاب مجدد و راه یافتن به حلقه داخلی نزدیکان وی هزینه کرد. ماسک اکنون

وظیفه دارد همراه با «ویوک راماسوامی»، یکی دیگر از اهداءکنندگان مالی اصلی، «وزارت کارآمدی دولت» (DOGE) را که به تازگی ایجاد شده است، هدایت کند؛ نهادی که به گفته ترمپ، خارج از دولت فعالیت خواهد کرد. به عبارت دیگر، DOGE یک اداره فدرال یا کمیسیون رسمی نیست که نیاز به نظارت و پاسخگویی به کنگره برای تصمیماتش داشته باشد و نقش آن مشاوره به کاخ سفید در مورد کاهش هزینه ها و برچیدن بوروکراسی فدرال عنوان شده است.

ایجاد DOGE، بخشی از چشم‌انداز محافظه‌کارانه برای دولت کوچک‌تر است که توسط پروژه ۲۰۲۵ مشخص شده است. انتظار می‌رود که این ارگان جدید بر لغو مقررات دولتی، کاهش برنامه‌های استحقاقی مانند تامین اجتماعی و «مدیکر» (بیمه درمانی)، هدف قرار دادن اداره مالیات و وزارت آموزش و پرورش، سلب حمایت عملی از کارکنان فدرال با جایگزینی کارمندان دولت با منصوبان سیاسی و حتی حذف بخش‌های خاصی از دولت تمرکز کند. هدف اعلام شده، کاهش حداقل ۲ تریلیون دلار از بودجه سالانه و در جمع نزدیک به ۷ تریلیون دلار است. ماسک به‌ویژه مقررات سنتز است و کاملاً تصادفی درگیر چندین نبرد حقوقی مداوم با نهادهای نظارتی می‌باشد. یکی از شرکت‌های او، «اسپیس ایکس»، حتی شکایت‌هایی را برای برچیدن «هیات ملی روابط کار (NLRB)» تنظیم کرده است؛ نهادی که از حقوق کارگران و کارکنان شرکت‌های خصوصی دفاع می‌کند.

اگرچه گردآوری ۲ تریلیون دلار از طریق کاهش بودجه فدرال کاملاً غیرواقعی است، اما طرح کاهش شدید بودجه دولت فدرال می‌تواند آسیب زیادی وارد کند. بسیاری از جمهوری‌خواهان کنگره از برنامه‌های ماسک سرمشق خواهند گرفت و حتی انتظار می‌رود برخی از دموکرات‌ها به فراكسیون DOGE بپیوندند.

محدود کردن قدرت دولت فدرال در قاعده مند شرکت‌ها و حمایت از کارگران همیشه هدف اصلی تفکر سیاسی محافظه‌کار و پایان بازی پلوتوکراسی الیگارشی ایالات متحده بوده است. در حقیقت نیز سابقه‌ای در ایجاد DOGE وجود دارد. در سال ۱۹۸۲، «رونالد ریگان» که پایه‌های نظم نولیبرال را بنا نهاد، کمیسیونی به نام «بررسی بخش خصوصی رئیس‌جمهور در مورد کنترل هزینه‌ها در دولت فدرال» (PPSSCC) ایجاد کرد که به نام رئیس آن «جی پیتر گریس»، مدیر عامل شرکت «دبلیو آر گریس و کمپانی»، یک فروشنده جهانی مواد شیمیایی با درآمدی میلیاردی، شناخته می‌شود. این کمیسیون متشکل از بیش از ۵۰۱ مدیر تجاری بود و هدف اصلی آن کاهش کسری بودجه ایالات متحده از طریق شناسایی نقطه‌های کاهش بالقوه از طریق اقدامات اجرائی یا قوانین بود. یکی از هشداردهنده‌ترین توصیه‌های «کمیسیون گریس»، خصوصی‌سازی دستگاه‌های اداری دولتی، به‌ویژه قدرت بخش عمومی بود که محافظه‌کاران از دهه ۹۲۰۱ علیه آن مبارزه می‌کردند و آن را به‌عنوان یک طرح سوسیالیستی می‌دانستند.

رویترز: اخراج دسته‌جمعی کارمندان چند سازمان فدرال امریکا آغاز شد

کاخ سفید اعلام کرد که دونالد ترمپ، رئیس‌جمهوری امریکا، سه‌شنبه ۱۸ فوریه- ۲۳ بهمن، فرمان اجرائی مربوط به کاهش نیروی کار فدرال را امضا کرد. همزمان، ایلان ماسک در دفتر کار دونالد ترمپ از اقدامات خود دفاع کرد و قول داد یک تریلیون دلار در بودجه دولت صرفه‌جویی کند.

بر اساس فرمان اجرائی دونالد ترمپ، دولت فدرال تنها مجاز خواهد بود به ازای خروج چهار کارمند، یک نفر جدید را استخدام کند.

این اقدام، جدیدترین تلاش ترمپ و مشاور ارشدش، ایلان ماسک مدیرعامل تسلا و مالک شبکه اجتماعی ایکس، برای کوچک‌سازی دولت و همسو کردن آن با اولویت‌های ترمپ است.

پیش از این، دولت ترمپ پیشنهادهای گسترده‌ای برای بازخرید و بازاجلاسگی زود هنگام ارائه داده و تلاش کرده بود حمایت‌های قانونی از کارمندان دولت را حذف کند. او همچنین برخی از ادارات و سازمان‌های فدرال را عملاً تعطیل کرده است.

با توجه به این‌که بسیاری از کارمندان دولت عضو اتحادیه‌های کارگری هستند، هرگونه اخراج یا کاهش نیرو در مقیاس وسیع باید مطابق با توافقات جمعی این اتحادیه‌ها انجام شود. همچنین، کارکنان غیر عضو اتحادیه‌ها نیز از حمایت‌های شغلی طبق قوانین فدرال برخوردارند.

فرمان اجرائی رئیس‌جمهوری، سازمان‌های فدرال را موظف می‌کند با تیم «بهره‌وری دولت» تحت نظارت ایلان ماسک همکاری کنند تا کاهش گسترده نیرو را بررسی و بخش‌هایی از ادارات و سازمان‌های دولتی را که می‌توان به‌طور کامل حذف کرد، شناسایی کنند.

به گفته یک مقام کاخ سفید، کارکنانی که در حوزه‌های امنیت ملی، ایمنی عمومی، اجرای قانون و کنترل مهاجرت فعالیت می‌کنند، از این اخراج‌ها مستثنی خواهند بود.

دولت ترمپ پیش‌تر تلاش کرده بود کارمندان فدرال را به پذیرش پیشنهادهای بازخرید و خروج از سیستم دولتی ترغیب کند، اما یک قاضی فدرال ماین طرح را مسدود کرد.

سه‌شنبه و اندکی پیش از امضای فرمان اجرائی از سوی دونالد ترمپ، ایلان ماسک در دفتر کار ریاست‌جمهوری در کاخ سفید در کنار رئیس‌جمهوری امریکا حضور یافت و از نقش خود به‌عنوان یک مقام غیرمنتخب دفاع کرد.

ماسک که اختیارات بی‌سابقه‌ای از ترمپ برای بازسازی ساختار دولت دریافت کرده است، گفت: «نمی‌توان یک بوروکراسی خودمختار در دولت فدرال داشت. دولت باید پاسخ‌گوی مردم باشد.»

ماسک همچنین متعهد شد که از طریق شناسایی فساد و هدر رفت بودجه در دولت، یک تریلیون دلار صرفه‌جویی کند. علاوه بر متوقف کردن طرح بازخرید و بازاجلاسگی زود هنگام ترمپ، دادگاه‌ها همچنین تلاش‌های او برای تعلیق کارکنان آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده و دسترسی ایلان ماسک به سیستم‌های پرداخت حساس وزارت خزانه‌داری را متوقف کرده‌اند.

در حالی که سازمان‌های امنیتی بیش‌ترین بخش نیروی کار دولت فدرال را تشکیل می‌دهند، صدها هزار نفر در سراسر کشور وظایفی مانند نظارت بر خدمات درمانی کهنه‌سربازان، بازرسی محصولات کشاورزی و مدیریت پرداخت‌های دولتی را بر عهده دارند.

ماسک همچنین در شبکه اجتماعی خود، ایکس، به‌شدت از شرکت‌های حقوقی که از طرف کارمندان دولت علیه این تصمیمات شکایت کرده‌اند، انتقاد کرد و نوشت: «کدام شرکت‌های حقوقی در حال پیگیری این دعاوی ضد مردم‌سالاری هستند تا اراده مردم را مسدود کنند؟»

او همچنین به قضاتی که احکامشان مانع از اجرای دستورات اجرائی ترمپ شده، حمله کرد و در پستی دیگر نوشت: «مردم‌سالاری در امریکا با یک کودتای قضائی در حال نابودی است.»

ترمپ نیز در دیدار با ماسک در دفتر کار خود در کاخ سفید، این نگرانی را مطرح کرد و گفت: «ما می‌خواهیم فساد را ریشه‌کن کنیم. سخت است که باور کنیم یک قاضی بگوید که نمی‌خواهیم شما این کار را انجام دهید. بنابراین شاید باید درباره خود قضات هم تجدینظر کنیم، زیرا این یک مسأله بسیار جدی است.»

رئیس‌جمهوری امریکا، همچنین انتقادات دموکرات‌ها و دیگر منتقدان مبنی بر وجود تضاد منافع در نقش ایلان ماسک را رد کرد.

برخی از منتقدان تاکید کرده‌اند که ماسک مالک شرکت اسپیس‌ایکس است، که یک پیمان‌کار مهم دولت فدرال محسوب می‌شود.

ترمپ با رد این انتقادات گفت: «اگر فکر می‌کردیم که مشکلی وجود دارد، اجازه نمی‌دادیم ماسک در این بخش فعالیت کند. اگر تصور می‌کردیم شفافیت کافی وجود ندارد یا تضاد منافع مطرح است، هرگز به او چنین اختیاراتی نمی‌دادیم.» رویترز به نقل از منابعی در اتحادیه‌ها و کارمندان سازمان‌های فدرال امریکا گزارش داد که روند پاکسازی‌ها در دستگاه اداری فدرال امریکا تسریع و اخراج‌های دسته‌جمعی در چند سازمان دولتی آغاز شده است. این خبرگزاری پنج‌شنبه ۲۰ فوریه، گزارش داد که ایمیل‌هایی مبنی بر قطع همکاری در دو شبانه‌روز گذشته به تعداد زیادی از کارمندان دولتی ارسال شده است.

بر اساس این گزارش، اکثر این کارمندان به تازگی استخدام شده بودند و در وضعیت آزمایشی به سر می‌بردند. کارمندان اخراج‌شده در وزارت آموزش، اداره مشاغل کوچک، اداره حمایت مالی از مصرف‌کننده‌ها و اداره خدمات عمومی که بسیاری از ساختمان‌های فدرال را مدیریت می‌کند، شاغل بوده‌اند. با این حال، رویترز نوشت که هنوز مشخص نیست چه تعداد از کارمندان فدرال در موج اول اخراج‌ها، شغل خود را از دست خواهند دادند.

پیش‌تر دولت ترمپ وعده داده بود که دولت فدرال امریکا را کوچک کند و «دولت در عمق» (دولت پنهان) را ریشه‌کن کند که به نوشته رویترز اشاره به سازمان‌هایی است که از نظر ترمپ به اندازه کافی به او وفادار نیستند. در نامه‌های ارسال شده به حداقل ۴۵ نفر در اداره مشاغل کوچک که رویترز دیده، آمده است: «آژانس متوجه می‌شود که شما برای ادامه کار مناسب نیستید، زیرا توانایی، دانش و مهارت‌های شما با نیازهای فعلی مطابقت ندارد و عملکرد شما برای توجیه کار بیشتر با آژانس کافی نبوده است.»

همچنین در نامه‌هایی به حداقل ۱۶۰ استخدام‌شده اخیر در وزارت آموزش که رویترز مشاهده کرد، به کارمندان گفته شد که ادامه اشتغال آن‌ها «نفعی عمومی در پی ندارد.»

ترمپ در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری خود بارها خواستار حذف وزارت آموزش شده بود. او چهارشنبه ۱۹ فوریه، این وزارت را یک «کار کلاهبرداری» نامید و گفت که می‌خواهد آن را تعطیل کند. به گفته دو نفر از منابع مطلع، چهارشنبه حدود صد کارمند که در استخدام آزمایشی در اداره خدمات عمومی بودند نامه اخراج دریافت کردند.

به نوشته رویترز عنوان نمونه، به یکی از کارمندان اداره خدمات عمومی که یک ماه تا پایان دوره آزمایشی‌اش باقی‌مانده و عملکردش عالی ارزیابی شده بود، گفته شد که جمعه اخراج خواهد شد.

او به رویترز گفت: «تا دو هفته پیش، این یک شغل رویایی مطلق بود. اکنون به دلیل اتفاقاتی که در حال رخ دادن است، به یک کابوس مطلق تبدیل شده است. من فرزندان کوچک و وام مسکنی برای بازپرداخت دارم.»

بر اساس داده‌های دولت، حدود ۲۸۰ هزار کارمند غیرنظامی دولتی کمتر از دو سال پیش استخدام شدند که اکثر آن‌ها هنوز در دوره استخدام آزمایشی هستند.

ترمپ ماسک را در راس وزارت کارآمدی دولت قرار داده و او را موظف کرده تا نیروی کار فدرال غیرنظامی ۳/۲ میلیون نفری امریکا را کاهش دهد.

وزارت کارآمدی امریکا به درخواست رویترز برای اظهارنظر در مورد اخراج‌های اخیر پاسخ نداد، اما سخن‌گوی دفتر مدیریت پرسنل، بازوی منابع انسانی دولت ایالات متحده، گفت که اخراج‌ها در راستای سیاست‌های جدید دولت بوده است.

سخن‌گوی دولت ترمپ گفت که دولت آژانس‌ها را تشویق می‌کند تا از دوره آزمایشی به‌عنوان ادامه روند درخواست شغل و نه یک حق اشتغال دائم استفاده کنند.

سیاست کاهش هزینه‌ها، باعث ایجاد وحشت در میان هزاران کارمند فدرال در پایتخت ایالات متحده شده و آنان می‌ترسند در آینده مورد هدف چنین سیاستی قرار گیرند.

ترمپ با وجود انبوهی از شکایت‌های اتحادیه‌های کارگری و دادستان‌های کل دموکرات و انتقاداتی حتی از سوی چندین کارشناس بودجه جمهوری‌خواه مبنی بر اینکه رهبری اجرای این سیاست ایدئولوژیک است، به این تلاش ادامه داده است.

ترمپ از این تلاش دفاع کرده و گفته که دولت فدرال بیش از حد بزرگ است و پول زیادی با تقلب از دست می‌رود. در حالی که توافق دو حزبی در مورد نیاز به اصلاحات در دولت وجود دارد، منتقدان رویکرد ماسک را که نفوذ فوق‌العاده‌ای به دست آورده، زیر سؤال برده‌اند.

ماسک، که ثروتمندترین فرد جهان است، در یک تماس ویدیویی در اجلاس سران جهانی دولت در دوی در روز پنج‌شنبه ۲۰ فوریه گفت: «ما باید کل آژانس‌ها را حذف کنیم.»

به گزارش واشینگتن‌پست درخواست وزارت بهره‌وری فدرال تحت مدیریت ایلان ماسک برای دسترسی به داده‌های مالیات‌دهندگان، زنگ خطر را در سازمان مالیات امریکا به صدا درآورده است، چرا که می‌تواند اطلاعات حساس مالی ۱۵۰ میلیون مالیات‌دهنده امریکائی را در اختیار منصوبان سیاسی ترمپ قرار دهد.

بر اساس این گزارش و به نقل از سه منبع مطلع، وزارت بهره‌وری فدرال ایالات متحده که ایلان ماسک اداره می‌کند در صدد است تا به سیستمی بسیار محرمانه در سازمان مالیاتی امریکا که با نام سرویس خدمات درآمد داخلی (IRS) شناخته می‌شود، دسترسی پیدا کند.

این سیستم حاوی اطلاعات مالی دقیق درباره همه افراد، شرکت‌ها و نهادهای غیرانتفاعی سراسر ایالات متحده است و همین سطح داده موجب نگرانی در این سازمان مالیاتی شده است.

زیر فشار کاخ سفید، سازمان مالیاتی امریکا در حال بررسی پیش‌نویس تفاهم‌نامه‌ای است که به مسؤولان وزارت بهره‌وری دولت امکان دسترسی گسترده‌ای به سیستم‌ها، املاک و داده‌های این اداره می‌دهد.

از جمله این سیستم‌ها، دستگاه یکپارچه بازیابی داده‌ها است که به کارمندان سازمان مالیات اجازه می‌دهد به حساب‌های مالیاتی افراد و شرکت‌ها شامل شماره‌های شناسائی شخصی و اطلاعات بانکی دسترسی داشته باشند.

این دستگاه، همچنین امکان وارد کردن و اصلاح داده‌های تراکنش‌ها و تولید خودکار اعلان‌ها، اسناد وصول مالیات و سایر مستندات را فراهم می‌کند. بر اساس پیش‌نویس این تفاهم‌نامه که نسخه‌ای از آن به دست روزنامه واشینگتن پست رسیده است، «گووین کلیگر»، مهندس نرم‌افزار در وزارت بهره‌وری قرار است به مدت ۱۲۰ روز در اداره مالیات فعالیت کند، اگرچه این اداره و کاخ سفید می‌توانند ماموریت او را برای همین مدت مجدداً تمدید کنند.

بر اساس تفاهم‌نامه بین دو طرف، هدف اصلی او در اداره مالیات، ارائه کمک‌های مهندسی و مشاوره در زمینه نوسازی فناوری اطلاعات است. مطابق مفاد این توافق، کلیگر باید اطلاعات مربوط به اظهارنامه‌های مالیاتی را

محرمانه نگه دارد، از دسترسی غیرمجاز محافظت کند و در پایان ماموریتش در اداره مالیات، هر اطلاعاتی را که در اختیارش قرار گرفته، نابود سازد.

دسترسی به دستگاه یکپارچه بازیابی داده‌ها در اداره مالیات به‌شدت محدود است و مالیات‌دهندگانی که اطلاعاتشان به‌طور اشتباه افشا یا حتی رویت شود، طبق قانون حق دریافت خسارت دارند.

از این رو، طبق گفته سه منبع آگاه از بحث‌های داخلی سازمان در گفت‌وگو با واشینگتن‌پست، درخواست وزارت بهروری برای دسترسی به این دستگاه، نگرانی‌های عمیقی را در اداره مالیات برانگیخته است. به گفته منابع واشینگتن‌پست، تا عصر یکشنبه، کلیگر هنوز به دستگاه یکپارچه بازیابی داده‌ها دسترسی پیدا نکرده بود، چراکه «داگ اودنل»، رئیس موقت اداره مالیات، هنوز تفاهم‌نامه‌ای را که به کلیگر اجازه دسترسی می‌دهد، نهایی نکرده بود.

«دنی ورفل»، رئیس سابقه اداره مالیات، ۲۰ ژانویه پس از آن‌که ترمپ برنامه خود را برای جایگزینی او با بیلی لانگ، نماینده جمهوری‌خواه پیشین کنگره از میسوری، اعلام کرد، از سمت خود استعفا داد. لانگ هنوز تائید مجلس سنا را برای این پست دریافت نکرده است.

این خبر در حالی منتشر می‌شود که حدود ۱۵۰ میلیون مالیات‌دهنده در حال آماده کردن اظهارنامه‌های مالیاتی سالانه خود هستند که تا ۱۵ آوریل فرصت ارائه آن را دارند.



سلمان رشدی با انتقاد شدید از ایلان ماسک: دوست دارم اولین انسانی باشد که به مریخ می‌رود

سلمان رشدی، نویسنده برجسته بریتانیایی-هندی، در مصاحبه‌ای تازه از ایلان ماسک مدیرعامل شرکت اسپیس‌ایکس و مالک شبکه اجتماعی ایکس به‌شدت انتقاد کرد و او را فاقد تعهد به آزادی بیان دانست.

رشدی که در یک جشنواره ادبی در شهر کارتاخنا کلمبیا حضور یافته بود، در پاسخ به پرسشی درباره نقش ایلان ماسک در فضای عمومی گفت: «ایلان ماسک از آزادی بیان دفاع نمی‌کند. شبکه اجتماعی او، ایکس، محتوای راست افراطی را مدیریت و ترویج می‌کند. مصادره یک آرمان شریف مانند آزادی بیان، در حالی که در عمل برخلاف آن رفتار می‌کنی، بسیار نادرست و فریبکارانه است.»

او در ادامه اضافه کرد: «من طرفدار آقای ماسک نیستم و دوست دارم او اولین کسی باشد که به مریخ می‌رود.»

هنگامی که مصاحبه‌کننده با لحنی کنایه‌آمیز پرسید که آیا ماسک باید در مریخ بماند؟، رشدی پاسخ داد: «بله، بگذار برود. اگر مریخ را این‌قدر دوست دارد، پس بگذار برود.»

سلمان رشدی، همچنین فاش کرد که حدود یک دهه پیش در لس‌آنجلس با ایلان ماسک ملاقات کرده و در آن زمان ماسک ادعا کرده بود که «رسیدن به مریخ تنها هفت سال زمان خواهد برد.»

او در این‌باره گفت: «هفت سال گذشته و من واقعا دوست دارم که او برود.»

این نویسنده سرشناس در بخش دیگری از مصاحبه، درباره رشد احساسات ضد مهاجرتی در کشورهای مختلف جهان ابراز نگرانی کرد و گفت که ارزش‌های «مدارا و همدلی» در مقایسه با گذشته ضعیف‌تر شده‌اند.

وی که خود دو بار مهاجرت کرده است، یک بار از هند به بریتانیا و سپس از بریتانیا به آمریکا، تاکید کرد که «مهاجرت موجب غنای فرهنگی می‌شود و این روند بخشی از تاریخ بشر است.»

سلمان رشدی افزود: «ایالات متحده آمریکا کشوری است که بر پایه مهاجرت شکل گرفته است. به جز بومیان آمریکا، همه مردم این کشور مهاجر هستند. اما امروز این میراث بزرگ امریکائی را بد و شرورانه جلوه می‌دهند. حتی ایلان ماسک هم خودش یک مهاجر از آفریقای جنوبی است.»

رشدی هشدار داد که در صورت اجرای سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه مهاجران، اقتصاد آمریکا لطمه خواهد دید: «اگر سیاست‌های اخراج مهاجران اجرائی شود، قیمت مواد غذایی کاهش نمی‌یابد بلکه افزایش می‌یابد، زیرا دیگر کسی برای برداشت محصولات کشاورزی نخواهد بود. بیمارستان‌ها نیز دچار کمبود نیروی کار خواهند شد. این تصمیم بر همه جنبه‌های زندگی در آمریکا تاثیر خواهد گذاشت.»

سلمان رشدی در اوت ۲۰۲۲ در جریان یک سخنرانی درباره آزادی بیان در ایالت نیویورک مورد حمله قرار گرفت و چشم راست خود را از دست داد.

وی پیش‌تر به‌خاطر رمان جنجالی آیات شیطانی شناخته می‌شود که اعتراضات گسترده‌ای را در جهان اسلام برانگیخت. او پس از صدور فتوای قتل از سوی روح‌الله خمینی سال‌ها تحت حفاظت شدید امنیتی زندگی کرد.

دادستان پرونده رسیدگی به اتهامات هادی مطر، ضارب سلمان رشدی نویسنده رمان معروف «آیات شیطانی» برای هیات منصفه دادگاه توضیح داد که چگونه ضارب در تابستان ۲۰۲۲ در وسط یک کنفرانس ادبی در شمال نیویورک، به رشد حمله کرد و با چاقو ضرباتی به او وارد کرد.

اولین جلسه دادگاه، اخیراً در مایویل در شهرستان چاوتاکوا آمریکا و در نزدیکی مرز با کانادا برگزار شد. هادی مطر، مرد ۲۷ ساله لبنانی-امریکائی که در ایالات متحده بزرگ شده، متهم این پرونده است.

او بیش از ۳۰ سال پس از صدور فتوای روح‌الله خمینی برای قتل سلمان رشدی به دلیل نگارش رمان «آیات شیطانی» این حمله به قصد کشتن را انجام داد.

مطر که پیراهنی آبی پوشیده بود در حالی که در حمایت از فلسطین شعار می‌داد، وارد دادگاه شد.

جیسون اشمیت، دادستان ناحیه چاوتاکوا به هیات منصفه گفت هادی مطر هنگام شروع سخنرانی رشدی در یک کنفرانس ادبی به روی صحنه رفت و «بدون هیچ تاملی، با رسیدن به آقای رشدی، خیلی عمدی و با قدرت و با سرعت، چاقو را بارها و بارها در داخل بدن رشدی فرو کرد.»

رشدی که بخش عمده دهه ۱۹۹۰ را به دلیل تهدید به مرگ در بریتانیا مخفی زندگی کرده بود، در این حمله حدود ۱۵ ضربه چاقو خورد و از ناحیه سر، گردن، بالاتنه و دست چپ مجروح شد، چشم راستش کور شد و به کبد و روده‌اش آسیب رسید.

رشدی، ۷۷ ساله، که هفته‌ها پس از این حمله در بیمارستان بستری بود، قرار است در مورد جراحاتش در این دادگاه شهادت دهد.

این نویسنده در کتاب خود با عنوان «چاقو» که به این حمله اختصاص داده شده و سال گذشته منتشر شد، آورده است: «هنوز می‌توانم لحظه حمله را در حرکت آهسته ببینم. دست چپم را به نشانه دفاع از خود بالا بردم. او چاقو را در آن فرو کرد. سپس ضربات متعددی به گردن، به سینه، به چشم و همه جایم فرود آمد.»

در جریان این حمله، هنری ریس، یکی از بنیان‌گذاران پروژه‌ای که به نویسندگان تبعیدی کمک می‌کند، نیز مجروح شد. هادی مطر در پی این حمله دستگیر شد و در دادگاه ایالتی نیویورک ادعا کرد که بی‌گناه است. او در صورت اثبات اتهامش با حداکثر ۲۵ سال زندان مواجه است.

دادستان قبل از آغاز محاکمه گفت که می‌خواهد بیشتر بر فیلم‌ها و شهادت‌ها برای اثبات اتهام او در برابر هیات منصفه استفاده کند تا انگیزه‌های ایدئولوژیکش.

چند روز پس از این حادثه، روزنامه نیویورک‌پست با متهم در زندان مصاحبه کرد و گفت که از زنده ماندن سلمان رشدی «تعجب» کرده است.

او نگفت که آیا از فتوای صادر شده از سوی خمینی، رهبر وقت جمهوری اسلامی تأثیر گرفته یا نه، اما تأکید کرد که رشدی «را دوست ندارد» زیرا به گفته او، رشدی «به اسلام حمله کرده است».

هادی مطر، همچنین در دادگاه‌های فدرال آمریکا به «اقدامات تروریستی به نام حزب‌الله»، گروه مسلح لبنانی تحت حمایت جمهوری اسلامی متهم شده است.

نیویورک پست پیش‌تر نیز به نقل از منابع امنیتی گزارش داده بود که بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد ضارب سلمان رشدی پیش‌تر در شبکه‌های اجتماعی مطالبی را در حمایت از جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران و افراطگرائی شیعه منتشر کرده است.

رسانه‌های آمریکا، همچنین گزارش دادند هادی مطر یک گواهینامه جعلی از خود با نام حسن مغنیه به همراه داشته که مشابه نام خانوادگی عماد مغنیه، از فرماندهان پیشین حزب‌الله لبنان است. عماد مغنیه در سال ۲۰۰۸ در دمشق کشته شده بود.

حدود یک سال پس از انتشار رمان «آیه‌های شیطانی»، روح‌الله خمینی در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ حکم قتل سلمان رشدی را صادر کرد.

علی خامنه‌ای نیز در سال ۱۳۸۳ خورشیدی، حکم خمینی را غیرقابل تغییر خواند و برخی از نهادهای دولتی ایران هم جایزه‌هایی برای کشتن او تعیین کردند.

جنگ روسیه و اوکراین

اروپایی‌ها تا همین امروز هزینه قابل ملاحظه‌ای در جنگ روسیه و اوکراین پرداخته‌اند. در سه سال گذشته، این کشورها در مجموع حدود ۳۰۰ میلیارد دلار به اوکراین کمک کرده‌اند. هزینه ۱۸ میلیاردی برای حمایت از پناهجویان اوکرائینی در اتحادیه اروپا و هزینه‌های پنهان این جنگ مانند افزایش سرسام‌آور قیمت انرژی و تورمی که سابقه در تکتک کشورهای اروپایی از دیگر پیامدهای حمله روسیه به اوکراین بوده‌اند.

در چنین وضعیتی، اگر ترامپ و پوتین به توافقی دست پیدا کنند که در آن خواسته‌های اوکرائینی‌ها و قدرت‌های اروپایی نادیده گرفته شوند، سرنوشت این جنگ با پرسش‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد. نخستین سؤال این است که آیا اروپا مجبور خواهد شد که به این توافق تن بدهد یا برعکس، با افزایش حمایتش از اوکراین تلاش خواهد تا جای خالی آمریکا را پر کند؟

آمریکا به رهبری جو بایدن، همپای اروپا در کنار اوکراین ایستاد. کنگره آمریکا یک بسته حمایتی ۱۷۵ میلیارد دلاری را برای اوکراین تصویب کرد که ۱۰۵ میلیارد دلار آن باید در قالب کمک‌های حمایتی به شکل مستقیم در اختیار دولت اوکراین قرار بگیرند. کمک ۶۶ میلیارد دلاری آمریکا در قالب تسلیحات نظامی شامل این بسته نبود.

حالا رئیس جمهور جدید امریکا می‌گوید که دیگر از این کمک‌های «سخت‌مندان» به اوکراین خبری نخواهد بود. وزیر دفاع امریکا در سفری که هفته گذشته به اروپا انجام داد، در جمع وزرای دفاع کشورهای اروپایی گفت که آن‌ها خود باید سهم قابل توجهی از کمک‌های مورد نیاز اوکراین را پرداخت کنند.

اگرچه کشورهایمانند بریتانیا، فرانسه و آلمان خود با بحران‌های اقتصادی جدی روبه‌رو هستند، اما ظاهراً هر سه این کشورها گفته‌اند که حاضر نیستند به آسانی در برابر فشار ترمپ کوتاه بیایند و مغلوب این جنگ باشند.

در عین حال رویارویی این کشورها با امریکا نیز برایشان به هیچ‌وجه آسان نیست. امنیت این کشورها در ناتو به شکل معناداری به قدرت نظامی امریکا وابسته است و اقتصادهایشان نیز از یک تنش احتمالی و شکاف بیش‌تر در دو سوی اقیانوس اطلس آسیب جدی خواهد دید.

از اوکراین نیز گزارش‌های بسیاری در یک سال گذشته منتشر شده که نشان می‌دهد خستگی از این جنگ دنباله‌دار روزبه‌روز بیش‌تر در افکار عمومی این کشور نمایان شده است. آن‌ها که زمانی به‌عنوان خط مقدم مقاومت در برابر روسیه در پایتخت‌های غربی مانند واشنگتن و لندن ستایش می‌شدند، مدت‌هاست که با اضطراب ناشی از احتمال قطع کمک‌های امریکا دست و پنجه نرم می‌کنند.

اوکراینی‌ها یک بار دیگر در جریان تصاحب شبه‌جزیره کریمه توسط مسکو، مزه مصالحه غرب با روسیه را چشیده‌اند و می‌دانند که برخلاف لفاظی‌های همیشگی، زمانی که زور غربی‌ها به مسکو نرسد، کییف بختی برای تضمین منافع و تمامیت ارضی‌اش ندارد.

فعلاً موضع قدرت‌های اروپایی و دولت اوکراین این است که آن‌ها مطلقاً زیر بار بده بستان ترمپ و پوتین بر سر اوکراین نروند. طبیعتاً آن‌ها از همه ابزارهایشان برای مقاومت بیش‌تر در برابر «زیاده‌خواهی» کرملین بهره خواهند برد. اما این احتمال به شکلی جدی مطرح است که این ابزارها کافی نباشند و در نهایت آن‌ها ناچار شوند امتیازهایی بسیار با ارزش به کرملین بدهند، بدون این‌که به بسیاری از خواسته‌هایشان دست پیدا کنند.

در نهایت اگر قدرت‌هاییمانند بریتانیا یا فرانسه به هر دلیلی ناچار شوند از مواضع قبلی خود در حمایت از اوکراین دست بکشند، مزه سیاستی را خواهند چشید که خود زمانی در دورانی نه چندان دور استادش بودند؛ آن‌ها چه در قرن ۱۹ و چه در جریان دو جنگ جهانی، بارها با اتکا به قدرت مهورکننده‌شان، در غیاب نمایندگان کشورهای دیگر برای همان کشورها تصمیماتی سرنوشت‌ساز گرفتند.

در این سناریو اوکراین به نمونه‌ای مهم از عریان‌ترین شکل سیاست مبتنی بر قدرت (رنال پولاتیک) در قرن ۲۱ تبدیل خواهد شد؛ سازوکاری که در تضاد آشکار با عرف و قواعدی است که اروپا اصرار داشت بعد از جنگ جهانی دوم در جهان حاکم شده و باید اجرا شوند.

اما حالا کشوریمانند روسیه با قدرتی که دارد این عرف و ارزش‌ها را زیر پا گذاشته است. امریکا نیز اگرچه بیش از ۷۰ سال است که خود مدعی اصلی پایبندی به این قوانین و اصول بوده، اما در دوران ترمپ از این نقش عقب‌نشینی کرده است. چه بسا برای دونالد ترمپ که از تصاحب غزه، گرین‌لند و کانال پاناما حرف می‌زند، این قواعد دست و پاگیر و مزاحم هستند.

در چنین جهانی که وزیر دفاع امریکا، نه قوانین بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل متحد یا نهادهای بین‌المللی مشروع مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوق بشر و غیره، بلکه اشکال مختلف قدرت و در راس آن‌ها، قدرت نظامی است.

اوکراین چه معادن حیاتی دارد و چرا ترمپ تا این اندازه خواهان دسترسی به آن‌هاست؟

ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین پیشنهاد اولیه ایالات متحده برای تصاحب معادن حیاتی کشورش و استفاده از آن به عنوان پیشپرداخت برای ادامه کمک‌های نظامی و اقتصادی در چارچوب جنگ با روسیه را رد کرد. اما چرا این معادن اهمیت دارند و دونالد ترامپ تا این اندازه خواهان دسترسی به آنهاست؟

سه منبع به خبرگزاری رویترز گفتند که ایالات متحده پیشنهاد کرده است تا ۵۰ درصد از معادن حیاتی معدنی اوکراین را در اختیار بگیرد. آقای زلنسکی این پیشنهاد را به طور کامل رد نکرد، اما گفت که هنوز شامل مطالبات امنیتی مورد نظر کیف نیست.

«مواد معدنی حیاتی» چیست؟

مواد معدنی حیاتی، فلزات و سایر مواد خام مورد نیاز برای تولید محصولات با فناوری پیشرفته، به ویژه محصولات مرتبط با گذار به انرژی‌های سبز، لوازم الکترونیکی مصرفی، و زیرساخت‌های هوش مصنوعی و تسلیحات هستند. تلاش برای مقابله با تغییرات اقلیمی و دور شدن از سوخت‌های فسیلی باعث تقاضای مضاعف برای دسترسی به مواد معدنی مورد استفاده در گذار به انرژی‌های سبز شده است. این مواد معدنی شامل کبالت، مس، لیتیوم و نیکل است و در ساخت سیستم‌های حمل و نقل برقی و توربین‌های بادی کاربرد دارند. از همین مواد معدنی برای ساخت تلفون‌های همراه، مراکز داده هوش مصنوعی و سلاح‌های نظامی مانند هواپیماهای جنگنده F-35 استفاده می‌شود، که موجب تشدید تقاضا برای آنها شده است.

با تغییر اقتصادی و فناوری در جهان، ارزش مواد معدنی حیاتی افزایش یافته و رقابت ژئوپلیتیک برای دسترسی به آنها سرعت گرفته. بر اساس برآورد آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۲۳، ارزش بازار مواد معدنی مورد استفاده در گذار انرژی در سال ۲۰۲۲ به ۳۲۰ میلیارد پوند رسید، که معادل دو برابر ارزش پنج سال قبل آن است. آژانس می‌گوید اگر کشورها به‌طور کامل تعهدات خود را در زمینه انرژی پاک و تغییرات اقلیمی اجرا کنند، انتظار می‌رود تقاضا برای این معادن تا سال ۲۰۳۰ بیش از دو برابر و تا سال ۲۰۴۰ سه برابر شود.

کدام مواد معدنی، حیاتی محسوب می‌شوند؟

واژه مواد معدنی «حیاتی» بیش‌تر از آن‌که یک اصطلاح علمی باشد یک لفظ سیاسی است، و کشورهای مختلف بسته به اهداف داخلی و ژئوپلیتیک خود لیست‌های متفاوتی از مواد معدنی حیاتی تهیه کرده‌اند.

در سال ۲۰۲۲، سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده فهرستی از ۵۰ ماده معدنی، از آلومینیوم گرفته تا زیرکونیوم را منتشر کرد که از نظر آنها «نقش مهمی در امنیت ملی، اقتصاد، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و زیرساخت‌ها ایفا می‌کنند».

عناصر قابل توجهی که در این فهرست قرار دارند عبارتند از: آرسنیک، دارای کاربرد در نیم‌رساناها؛ بریلیم، در صنایع هوافضا و دفاعی، کبالت، لیتیوم و گرافیت برای ساختن باتری، ایندیوم، که سبب می‌شود صفحه نمایش تلفون به لمس انگشت پاسخ دهد، و تلوریم، که برای تولید انرژی خورشیدی استفاده می‌شود.

قانون انرژی ایالات متحده تصریح می‌کند که فهرست باید هر سه سال یکبار به روز شود، به این معنی که امسال برای بررسی قرار می‌گیرد و باید دید با توجه به فضای سیاسی جدید در کشور، کدام مواد معدنی به فهرست اضافه می‌شوند یا از آن حذف خواهند شد.

«عناصر خاکی کمیاب» چیست؟

عناصر خاکی کمیاب (rare earth elements) زیرمجموعه‌ای از ۱۷ ماده معدنی حیاتی هستند که برای تلفون‌های همراه، وسایل نقلیه الکتریکی، سیستم‌های هدایت موشک و سایر کاربردهای برقی، صنعتی و انرژی ضروری هستند.

علیرغم نامش، اکثر عناصر خاکی کمیاب به طور خاصی کمیاب نیستند، اما استخراج و تصفیه آن‌ها بسیار دشوار، و از نظر زیست محیطی بسیار مخربند. به همین دلیل است که تولید آن‌ها فقط در چند نقطه، به‌ویژه در چین، متمرکز است. عناصر خاکی کمیاب شامل یورپیم که در میله‌های کنترل نیروگاه هسته‌ای استفاده می‌شود؛ دیسپروزیوم، گاندولینیم و پرازئودیمیم که در آهنرباهای تلفون همراه استفاده می‌شوند و گادولینیوم، هولمیوم و ایتریوم که در فن‌آوری لیزر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اوکراین چه مواد معدنی حیاتی دارد؟

هانا لیونتسوا، رئیس انجمن زمین‌شناسان اوکراین، در مقاله‌ای در سال ۲۰۲۲ مدعی شد که کشورش دارای حدود ۵ درصد از منابع معدنی جهان است، با وجود این که تنها ۰,۴ درصد از سطح کره زمین را در برمی‌گیرد.

بر اساس داده‌های خود اوکراین که خبرگزاری رویترز به آن‌ها اشاره کرده است، این کشور ذخایر ۲۲ از ۳۴ ماده معدنی که توسط اتحادیه اروپا به‌عنوان حیاتی شناخته شده‌اند را در اختیار دارد، از جمله خاک‌های کمیاب مانند لانتانیم، سریم، نئودیمیم، اربیوم و ایتریوم.

بر اساس تحقیقات کمپسیون اروپا، قبل از شروع جنگ با روسیه، اوکراین یکی از تامین‌کنندگان کلیدی تیتانیوم بود و در سال ۲۰۱۹ حدود ۷ درصد از تولید جهانی را تامین می‌کرد.

همچنین پنج هزار تن ذخایر لیتیوم و یک پنجم گرافیت جهان، که کاربرد کلیدی در نیروگاه‌های هسته‌ای دارد، در خاک اوکراین یافت می‌شوند.

اما با تسخیر حدود یک پنجم از خاک اوکراین توسط روسیه، بسیاری از این ذخایر از دست اوکراین خارج شده‌اند. بر اساس برآوردهای اندیشکده‌های اوکراینی به نقل از رویترز، حدود ۴۰ درصد از منابع فلزی اوکراین در نقاط تحت اشغال روسیه قرار دارند. علاوه بر این، نیروهای روسی حداقل دو معدن لیتیوم اوکراین را در اختیار دارند، یکی در دونتسک و دیگری در زاپوریژیا.

چرا دونالد ترامپ تا این اندازه خواهان دسترسی به مواد معدنی حیاتی اوکراین است؟

دلیل اصلی علاقه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا برای دسترسی به مواد معدنی حیاتی اوکراین را می‌توان در یک کلام خلاصه کرد: چین. بیش از هر زمان دیگری، ابرقدرت آسیائی کارخانه تولید جهان است و این بدان معناست که در هر کجای دنیا مواد معدنی حیاتی از زمین استخراج شوند، این کشور یک مکان استراتژیک در زنجیره تامین باقی می‌ماند.

اکثر ظرفیت فرآوری مواد معدنی حیاتی جهان در چین است. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، سهم چین از پالایش نیکل حدود ۳۵ درصد، ۵۰ تا ۷۰ درصد از پالایش لیتیوم و کبالت، و نزدیک به ۹۰ درصد عناصر خاکی کمیاب است. تسلط آن در زمینه عناصر خاکی کمیاب، بویژه چشمگیر است. طبق داده‌های سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده، در سال ۲۰۲۴ چین تقریباً نیمی از ذخایر عناصر خاکی کمیاب جهان را در اختیار داشت.

از آنجائی که ترامپ با اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی عملاً جنگ تجاری با چین را آغاز کرده، دسترسی ایالات متحده به مواد معدنی حیاتی به‌طور بالقوه در معرض تهدید قرار دارد.

مذاکرات مسکو و واشینگتن؛ تغییر ۱۸۰ درجه‌ای رسانه‌های کرملین نسبت به «دشمنی غرب»

نخستین مذاکرات روسیه و آمریکا از آغاز تهاجم گسترده نظامی روسیه علیه اوکراین در حالی در عربستان سعودی آغاز شد که اوکراین و اروپا به‌شدت نگرانند دونالد ترامپ در پی آن است که این جنگ را با برآورده کردن مطالبات ولادیمیر پوتین متوقف کند.

مارکو روبریو، وزیر خارجه امریکا، مایکل والتز مشاور امنیت ملی کاخ سفید و استیو ویتکاف فرستاده ویژه امریکا در خاورمیانه روز ۳۰ بهمن با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه و یوری اوشاکوف مشاور امور بین‌المللی رئیس‌جمهور روسیه در ریاض دیدار کردند.

واکنش مقامات رسمی روسیه

یوری اوشاکوف، مشاور امور بین‌الملل رئیس‌جمهور روسیه، نخستین مذاکرات مقامات بلندپایه روسیه و امریکا در سه سال گذشته را «سرآغاز عادی‌سازی روابط دو کشور» دانست.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، نیز با اشاره به طیف گسترده مسائل مورد بحث «که شامل اوکراین، خاورمیانه و دیگر مناطق جهان که در وضعیتی ناآرام قرار دارند» است، تاکید کرد که روسیه «به هیچ‌وجه از مطالبات خود در اوکراین عقب‌نشینی نخواهد کرد.»

دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، طی اجلاس مطبوعاتی روزانه‌اش گفت: «برای ما مهم است که به اهدافمان برسیم و چه بهتر، اگر این اهداف از راه مذاکره تحقق یابد.»

کریل دمیتریف، رییس صندوق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم روسیه، صریحا اذعان کرد که مدت‌هاست مشغول رایزنی‌های پشت‌پرده با مسئولین دولت دونالد ترامپ است. او اعلام کرد که خروج از بازار روسیه «بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار ضرر برای سرمایه‌گذاران امریکائی به بار آورده و تاثیر منفی تحریم‌ها بر امریکا بیشتر از روسیه بود». به همین دلیل به گفته او، روسیه خواهان آن است که شرکت‌های امریکائی به‌ویژه در عرصه انرژی به روسیه بازگردند و همکاری دو کشور در شمالگان از سر گرفته شود.

ستایش از پوتین و ترامپ در رسانه‌های نزدیک به کرملین

رسانه‌های نزدیک به کرملین و به‌ویژه تلویزیون ملی که به عنوان بلندگوی اصلی حکومت روسیه عمل می‌کنند و در سال‌های اخیر همواره بر «دشمنی تاریخی غرب و روسیه» متمرکز بودند، ناگهان روایات خود را ۱۸۰ درجه تغییر دادند.

ولادیمیر سولویف، مجری تلویزیونی که در فهرست تحریمی امریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد، در جمع‌بندی اخبار هفته گذشته از «گام‌های دولت دونالد ترامپ به سوی ولادیمیر پوتین و پایان خشونت‌ها در مقابل روسیه» استقبال و اعلام کرد: «فاتحه اوکراین خوانده شد و اروپا به زودی از صفحه تاریخ حذف می‌شود.»

همزمان از گزارش‌ها برمی‌آید در دستورالعمل کرملین برای رسانه‌های تحت کنترل آن تاکید شده که «هرچه کمتر به دونالد ترامپ توجه کنند» و در مقابل ولادیمیر پوتین را «رهبری قدرتمند» جلوه دهند که «در مذاکره با امریکا حرف آخر را خواهد زد.»

ترامپ کییف را «مسئول» آغاز و تداوم جنگ در اوکراین دانست

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا اعلام کرد که احتمالا در ماه جاری میلادی با همتای روسی خود دیدار خواهد کرد. او در اجلاسی خبری مدعی شد که کییف «مسئول و مقصر» جنگ و تداوم آن در اوکراین است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا در اجلاسی خبری که روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه- ۳۰ بهمن، در فلوریدا انجام شد، از دیدار احتمالی خود با ولادیمیر پوتین، همتای روس خود در ماه فوریه جاری خبر داد.

او در پاسخ به پرسش که آیا انتظار می‌رود تا پایان ماه فوریه با پوتین ملاقات کند، گفت: «احتمالا». پیش از آن مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا در کنفرانسی خبری اعلام کرده بود که دو طرف هنوز تاریخی برای دیدار سران امریکا و روسیه تعیین نکرده‌اند.

ترمپ مدعی شد که نگرانی کییف از عدم حضور نمایندگان اوکراین در گفت‌وگوهای میان واشنگتن و مسکو در ریاض «موضوعیت» ندارد. پیش از آن، ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین از برگزاری مذاکرات بین واشنگتن و مسکو بدون حضور کییف انتقاد کرده بود.

زلنسکی در راستای انتقادهای خود با بیان این‌که «ما نمی‌خواهیم کسی بدون ما برای ما تصمیمی بگیرد»، گفته بود: «بدون اوکراین نمی‌توان برای پایان دادن به جنگ در اوکراین هیچ تصمیمی گرفت.»

به اعتقاد ترمپ اوکراین برای پرهیز از تهاجم روسیه باید سه سال پیش با این کشور به توافق می‌رسید. او گفت: «امروز شنیدم که گفته‌اند ما (اوکراین) دعوت نشدیم. خب شما سه سال وقت داشتید. باید به آن پایان می‌دادید. اصلا نباید آن را شروع می‌کردید. می‌توانستید توافق کنید.»

رئیس جمهوری امریکا در اظهارات روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه، خود تاکید کرد که بنا بر تصورش، قدرت پایان دادن به جنگ را دارد. او در کارزار انتخاباتی خود حتی مدعی شده بود که می‌تواند «در عرض ۲۴ ساعت» به جنگ روسیه در اوکراین پایان دهد. او چندی بعد اما از بازه زمانی «۶ ماه» در این رابطه سخن گفت.

لزوم برگزاری انتخابات در اوکراین

ترمپ در اجلاس خبری خود از «لزوم برگزاری انتخابات در اوکراین» سخن گفت و افزود: «این مسأله‌ای نیست که روسیه بگوید، بلکه حرف من است و بسیاری از کشورهای دیگر نیز می‌گویند.» او پیش‌تر نیز گفته بود که کییف باید تا پایان سال جاری میلادی انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را که به دلیل جنگ روسیه در اوکراین به تعویق افتاده، برگزار کند.

رئیس جمهوری امریکا بار دیگر تاکید کرد که ایالات متحده حاضر به اعزام نیرو به اوکراین به منظور رعایت آتش‌بس میان طرفین نیست. به گفته او، این مسوولیت و باری است که اروپا باید به دوش بکشد. ترمپ افزود که ایالات متحده برای این کار مناسب نیست چون «از آنجا (اوکراین) بسیار دور است.»

اوکراین تاکنون با پشتیبانی غرب در برابر حمله روسیه مقاومت کرده، اما روسیه هم‌اکنون حدود ۲۰ درصد از خاک اوکراین را، به انضمام کریمه که آن را در سال ۲۰۱۴ به خاک خود الحاق کرد، تحت کنترل دارد.

از این رو مذاکرات ایالات متحده و روسیه در خصوص صلح اوکراین و عدم حضور نمایندگان اوکراین و اتحادیه اروپا در آن می‌تواند به چالش اروپا و امریکا شدت بخشیده و شکاف قابل پیش‌بینی میان این دو را شدت ببخشد. اظهارات تازه ترمپ علیه زلنسکی: «دیکتاتور» سریع برای صلح اقدام کند، وگرنه اوکراین را از دست خواهد داد.

واکنش مقامات رسمی اوکراین

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، از پنج‌شنبه گذشته هیچ پیام ویدئویی که از آغاز تهاجم گسترده نظامی روسیه مرسوم شده است، منتشر نکرد. او پس از حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ و رایزنی با رهبران اروپایی، برای گفت‌وگو با مقامات ارشد امارات متحده عربی، عربستان سعودی و ترکیه در خاورمیانه به سر می‌برد. سپس دیدار او با

کیث کلاگ نماینده رئیس‌جمهور آمریکا در امور روسیه و اوکراین برنامه‌ریزی شده؛ سفر سه‌روزه این مقام امریکائی به کییف پنجشنبه آغاز می‌شود.

ولودیمیر زلنسکی که در روزهای اخیر بارها خواستار افزایش نقش اروپا در تامین کمک‌های نظامی برای اوکراین و تضمین امنیت این کشور پس از پایان جنگ شده، اعلام کرد اوکراین هیچ توافقی درباره جنگ که بدون حضور اوکراین در مذاکرات حاصل می‌شود را به رسمیت نخواهد شناخت.

او پس از گفت‌وگوی تلفونی با امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه که دوشنبه میزبان رهبران اتحادیه اروپا و بزرگترین کشورهای اروپائی برای هماهنگی حمایت از اوکراین بود تاکید کرد: «پایان درگیری‌ها بدون تضمین امنیت اوکراین تنها زمینه تجدیدنفس و آماده شدن روسیه برای ادامه جنگ علیه اوکراین و اروپا می‌شود.»

میخائیلو پودولیاک مشاور دفتر ریاست‌جمهوری اوکراین روز سه‌شنبه به خبرنگاران گفت: «هیچ پیشنهادی که قابل بحث باشد به دست اوکراین نرسیده». آندره یرماک رئیس دفتر ریاست‌جمهوری روسیه تصریح کرد که یک سند دال بر همکاری آمریکا و اوکراین در زمینه استفاده از منابع معدنی کمیاب «در دست بررسی است» اما از طرح پایان جنگ «خبری به دست ما نرسیده» او تاکید کرد بدون تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا برقراری صلح امکان‌پذیر نیست.



برنامه‌های ترمپ برای دیدار با پوتین

ترمپ اعلام کرد که ممکن است در این ماه با ولادیمیر پوتین دیدار کند. در مسکو، پوتین اظهار داشت که اوکراین از مذاکرات صلح کنار گذاشته نخواهد شد، اما موفقیت این مذاکرات به میزان اعتماد میان مسکو و واشنگتن بستگی دارد. پوتین، یک روز پس از اولین دور مذاکرات بین آمریکا و روسیه در ریاض، گفت که تنظیم یک اجلاس میان او و ترمپ زمان‌بر خواهد بود، اما هر دو طرف تمایل به این دیدار دارند.

پوتین در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: «ما باید اطمینان حاصل کنیم که تیم‌های ما موضوعات مهمی را که برای هر دو کشور حیاتی هستند، از جمله – اما نه فقط – مسأله اوکراین، به خوبی آماده کنند تا به راحل‌های مورد قبول دو طرف برسیم.»

اوکراین و کشورهای اروپائی در مذاکرات روز سه‌شنبه در ریاض حضور نداشتند، امری که نگرانی‌ها درباره احتمال توافق پشت‌پرده آمریکا و روسیه را افزایش داده است.

ترمپ تاکید کرد که اروپا باید نقش بیش‌تری در تضمین هرگونه توافق آتش‌بس داشته باشد.

تلاش اروپا برای حمایت از اوکراین

در بروکسل، اتحادیه اروپا درباره شانزدهمین بسته تحریم‌ها علیه روسیه، از جمله تحریم‌هایی بر آلومینیوم و کشتی‌هایی که نفت تحریم‌شده روسیه را حمل می‌کنند، به توافق رسید.

سرویس دیپلماتیک اتحادیه اروپا پیشنهاد کرده که کمک نظامی به اوکراین افزایش یابد تا نشان دهد که اروپا همچنان از کیف حمایت می‌کند، اما انتظار نمی‌رود که تصمیمی سریع در این زمینه گرفته شود. اولف کریسترون، نخست‌وزیر سوئد، روز چهارشنبه گفت که اگرچه در اتحادیه اروپا درباره مسیر آینده توافق کامل وجود ندارد، اما «ما باید آرامش خود را حفظ کنیم و به حمایت از اوکراین ادامه دهیم».



پایان مذاکرات ریاض، توافق برای ادامه مذاکرات

دولت آمریکا روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه ۲۰۲۵، اعلام کرد که پس از یک اجلاس اولیه که در ریاض برگزار شد، موافقت کرده است تا مذاکرات بیش‌تری با روسیه برای پایان دادن به جنگ در اوکراین انجام دهد. در جریان این اجلاس که چهار ساعت و نیم در پایتخت عربستان سعودی به طول انجامید، روسیه بر مواضع خود پافشاری کرد و به‌ویژه تأکید داشت که عضویت اوکراین در ناتو را تحمل نخواهد کرد.

به گزارش رویترز، این نخستین بار بود که مقامات امریکائی و روسی برای بررسی راه‌های پایان دادن به مرگ‌بارترین درگیری اروپا از زمان جنگ جهانی دوم، رو در رو مذاکره کردند. اوکراین اعلام کرده است که هیچ توافقی را که بدون رضایت آن اعمال شود، نخواهد پذیرفت و اولاف شولتز، صدراعظم آلمان نیز تأکید کرد: «نباید تصمیمی بر خلاف اراده اوکراین اتخاذ شود».

پیش از آغاز مذاکرات، برخی سیاست‌مداران اروپائی دولت ترامپ را متهم کردند که با کنار گذاشتن احتمال عضویت اوکراین در ناتو و اعلام این‌که بازپس‌گیری ۲۰ درصد از سرزمین‌های تحت کنترل روسیه برای کیف یک توهم است، امتیازات رایگانی به مسکو داده است.

مشاور امنیت ملی آمریکا، مایک والتز، در گفت‌وگو با خبرنگاران در ریاض اظهار داشت که جنگ باید به‌طور دائمی پایان یابد و این امر مستلزم مذاکرات درباره وضعیت سرزمینی خواهد بود.

او گفت: «یک واقعیت عملی این است که مذاکراتی درباره سرزمین و همچنین تضمین‌های امنیتی صورت خواهد گرفت».

در واکنش به نگرانی‌های اوکراین و اروپا، وزیر امور خارجه آمریکا، مارکو رובیو، تأکید کرد که هیچ‌کس کنار گذاشته نشده است، اتحادیه اروپا باید در مقطعی درگیر این مذاکرات شود و هر راه‌حلی باید مورد قبول تمام طرف‌ها باشد.

ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، در گفت‌وگو با خبرنگاران در مسکو گفت که صرف نپذیرفتن عضویت اوکراین در ناتو کافی نیست. او اظهار داشت که این ائتلاف باید از وعده‌ای که در اجلاس بخارست ۲۰۰۸ داده است مبنی بر اینکه اوکراین در آینده به ناتو خواهد پیوست، رسماً صرف نظر کند.

او افزود: «در غیر این صورت، این مسأله همچنان فضای اروپا را مسموم خواهد کرد».

زلنسکی همواره عضویت در ناتو را تنها راه تضمین حاکمیت و استقلال اوکراین در برابر همسایه مسلح به سلاح هسته‌ای خود دانسته است.

اوکراین در سال ۱۹۹۴ با چشم‌پوشی از زرادخانه هسته‌ای دوران شوروی خود، در مقابل تضمین‌هایی از سوی روسیه، آمریکا و بریتانیا مبنی بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی‌اش، موافقت کرد.

دو طرف اعلام کردند که هنوز تاریخی برای دیدار ترمپ و پوتین تعیین نشده است، هرچند هر دو رهبر گفته‌اند که خواهان چنین دیداری هستند.

اما این دیپلماسی سریع که تنها شش روز پس از گفت‌وگوی تلفونی پوتین و ترمپ آغاز شد، در اوکراین و پایتخت‌های اروپایی زنگ خطر را به صدا درآورده است. نگرانی اصلی این است که دو رهبر ممکن است به توافقی سریع دست یابند که منافع امنیتی اروپا را نادیده بگیرد، تجاوز روسیه را پاداش دهد و دست پوتین را برای تهدید اوکراین یا سایر کشورها باز بگذارد.

جانا پوگلیه‌یرین، پژوهش‌گر ارشد شورای روابط خارجی اروپا، گفت که فوریه ۲۰۲۲، زمانی که روسیه حمله تمام‌عیار خود را به اوکراین آغاز کرد، برای اروپایی‌ها ثابت کرد که نمی‌توانند به روسیه اعتماد کنند، اما تحولات فوریه ۲۰۲۵ نقطه عطف مهم‌تری را نشان می‌دهد.

او افزود: «فوریه ۲۰۲۵ به ما نشان می‌دهد که امریکائی‌ها دیگر احساس مسئولیت در قبال امنیت اروپا ندارند و منافع آن‌ها اساساً با ما متفاوت است.»

روبیو گفت که پس از این مذاکرات متقاعد شده است که طرف روس «آمادگی دارد که در یک فرآیند جدی برای تعیین چگونگی و سرعت پایان جنگ شرکت کند.»

او افزود که تیم‌هایی برای بازگرداندن مأموریت‌های دیپلماتیک دو کشور در واشنگتن و مسکو کار خواهند کرد.

لاوروف اظهار داشت که «علاقه زیادی» به رفع موانع اقتصادی میان دو کشور وجود دارد. ایالات متحده و سایر کشورهای غربی، به دلیل جنگ، تحریم‌های متعددی علیه مسکو اعمال کرده‌اند تا پوتین را منزوی کنند.

روبیو در پاسخ به پرسشی درباره امکان لغو این تحریم‌ها، موضعی مبهم اتخاذ کرد.

وی گفت: «طرف‌های دیگری نیز تحریم‌هایی اعمال کرده‌اند. اتحادیه اروپا باید در مقطعی در مذاکرات حضور داشته باشد، زیرا آن‌ها نیز تحریم‌هایی وضع کرده‌اند.»

موضع جدید روسیه پیش از آغاز مذاکرات با آمریکا

در حالی که کشورهای اروپایی احتمال اعزام نیروهای حافظ صلح برای پشتیبانی از هرگونه توافق صلح در اوکراین را بررسی می‌کنند، وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاوروف، در ریاض اعلام کرد که مسکو هیچ‌گونه استقرار نیروهای ناتو در اوکراین را، تحت هر پرچمی که باشند، نخواهد پذیرفت.

وی گفت: «البته این مسأله برای ما غیرقابل قبول است.»

اظهارات لاوروف و زاخاروا نشان داد که روسیه همچنان به دنبال گرفتن امتیازات بیشتر در مذاکرات خواهد بود. در این اجلاس اولیه، لاوروف و بوری اوشاکوف، مشاور سیاست خارجی کرملین - دو مقام باسابقه که مجموعاً ۳۴ سال در سمت‌های کنونی خود خدمت کرده‌اند - با سه مقام دولت ترمپ که تنها یک ماه از تصدی سمت‌هایشان می‌گذرد، مذاکره کردند.

پوتین از گفت‌وگوی تلفونی با رئیس‌جمهور فرانسه خودداری کرد!

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از گفت‌وگوی تلفونی با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه خودداری کرد؛ آن‌هم یکبار برای همیشه!

این خیر را رسانه‌های روسیه به نقل از منابع نزدیک به کرملین منتشر کرده‌اند.

این منابع گفتند که پوتین قصد دارد مشکل اوکراین را تنها با تیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا حل کند.

در این گزارش‌ها، همچنین آمده است که رئیس‌جمهور روسیه در سه هفته گذشته حداقل چهار بار پیشنهاد همتای فرانسوی خود برای تماس تلفونی با وی و گفت‌وگو درباره اوضاع سیاسی بین‌المللی و حل و فصل مسأله اوکراین را رد کرده است.

یک منبع نزدیک به کرملین گفته، دلیل این امر این است که پوتین اکنون دیگر ماکرون را صرفاً به‌عنوان یک طرف اروپائی با موقعیت بالا که می‌تواند به پیشرفت در توقف خصومت‌ها کمک کند، نمی‌داند.

این منبع افزوده: زمانی تماس‌های تلفونی زیادی با مکرون و همچنین ملاقات‌های شخصی با وی صورت گرفت. اما نتیجه همیشه صفر یا نزدیک به صفر بوده است. بنابراین، اکنون که امید می‌رود به لطف تلاش‌های ترامپ، یک توافق صلح مناسب منعقد شود، تماس مجدد با ماکرون فایده‌ای ندارد. این منبع همچنین خاطرنشان کرد: «علاوه بر این، ماکرون از سوی دیگر رهبران اروپائی به‌عنوان یک شخصیت با نفوذ تلقی نمی‌شود، بنابراین او نمی‌تواند قوی بدهد.»

افزایش تنش‌ها میان واشنگتن و اروپا: استارمر هفته آینده به دیدار ترامپ می‌رود

همزمان با آغاز جنگ تجاری و تهدیدهای ترامپ بر ضد اروپا، کنیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا قرار است هفته آینده به امریکا سفر کند تا در مورد «طیف گسترده‌ای از مسائل» با دونالد ترامپ گفتگو کند.

استارمر درحالی که تلاش می‌کند تا روابط بریتانیا با امریکای ترامپ و اتحادیه اروپا به‌گونه متعادل برقرار بماند، همچنان می‌خواهد تا پلی میان اتحادیه اروپا و امریکا بر سر مسأله اوکراین باشد.

سخن‌گوی نخست‌وزیر بریتانیا در مورد این سفر می‌گوید که «نخست‌وزیر مشتاقانه منتظر است تا به زودی با رئیس‌جمهور ترامپ ملاقات کند تا در مورد چگونگی تعمیق روابط ویژه در تجارت، سرمایه‌گذاری و امنیت بحث کند.» سفر نخست‌وزیر بریتانیا به امریکا درحالی تائید شده که رهبران اتحادیه اروپا شامل استارمر به هدف گفت‌وگو در مورد تغییر سیاست واشنگتن در مورد جنگ اوکراین، امروز دوشنبه ۱۷ فوریه، در یک اجلاس فوری در پاریس، اشتراک کرده‌اند.

ترامپ گفته که از ماه مارس، بر واردات فولاد و آلومینیوم تعرفه اعمال می‌کند و نیز سیاست‌های ناگهانی را در مورد درگیری‌های اوکراین و غزه پیش گرفته است.

در کنفرانس امنیتی مونیخ چه گذشت؟

شصت‌ویکمین کنفرانس امنیتی مونیخ امروز به کار خود پایان داد؛ اجلاسی که اختلافات عمیق دولت دونالد ترامپ و کشورهای اروپائی بر سر نحوه پایان دادن به جنگ اوکراین را آشکار ساخت.

سخنرانی جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور امریکا، در میان رهبران و مقام‌های ارشد و حمله‌تند و کم‌سابقه او به دموکراسی‌های اروپائی برای بسیاری از متحدان عربی امریکا گران آمد. او گفت بزرگترین تهدید دموکراسی‌های اروپا نه چین است و نه روسیه، بلکه از درون این کشورهاست.

در حین برگزاری این کنفرانس بود که تمایل دولت ترمپ به مذاکره با روسیه به منظور پایان دادن به جنگ اوکراین بدون مشارکت دولت‌های اروپائی روشن شد. این رویکرد نگرانی‌های جدی در میان رهبران اروپائی ایجاد کرده است. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، خواستار برگزاری اجلاس اضطراری رهبران اروپائی در پاریس شد که فردا برگزار می‌شود.

کیت کلاگ، نماینده ویژه دونالد ترمپ در امور اوکراین، در حاشیه این کنفرانس گفت: «ما درباره پایان دادن به جنگ اوکراین با اروپا مشورت خواهیم کرد، اما به هیچ وجه اروپا سر میز مذاکره نخواهد بود.» او همچنین گفت اوکراین در این مذاکرات حضور خواهد داشت اما ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، گفت دعوتی برای حضور در عربستان دریافت نکرده است.

کنفرانس امنیتی مونیخ یکی از مهم‌ترین اجلاس‌های بین‌المللی در حوزه سیاست خارجی و امنیتی است که هر ساله با حضور رهبران جهان و مقامات ارشد نظامی و کارشناسان برگزار می‌شود. تمرکز اصلی کنفرانس امسال بر جنگ اوکراین و تنش‌های خاورمیانه و آینده روابط آمریکا و اروپا بود.

این اجلاس سه‌روزه نشان‌دهنده بحران بی‌سابقه‌ای در روابط میان آمریکا با اتحادیه اروپا و اوکراین بود. اختلافات بر سر نحوه مدیریت جنگ اوکراین و نقش هر یک از طرف‌ها در مذاکرات صلح محور اصلی تنش‌ها در این کنفرانس بود و نشان‌دهنده شکاف عمیق در رویکردهای واشنگتن و بروکسل نسبت به بحران اوکراین است.

کنفرانس امنیتی مونیخ امسال به‌وضوح نشان داد که چالش‌های امنیتی و سیاسی جدیدی در پیش است. خبرنگاران در پایان کنفرانس امنیتی از مونیخ به پاریس می‌روند تا در اجلاس اضطراری سران اروپا حاضر شوند. رویکرد اخیر دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای مذاکره مستقیم با ولادیمیر پوتین در عربستان سعودی بدون حضور نمایندگان اروپا نگرانی‌های جدی در میان رهبران اروپائی ایجاد کرده است. این اقدام یک گسست آشکار از همکاری‌های سنتی در دو سوی آتلانتیک تلقی می‌شود و در میان محافل سیاسی اروپا احساس «خیانت» ایجاد کرده است.

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، خواستار برگزاری اجلاس اضطراری رهبران اروپائی در پاریس شد تا پاسخی واحد و قاطع تدوین و بر نقش حیاتی اروپا برای حل بحران تأکید شود. ولودیمیر زلنسکی هم در مونیخ بر همین تأکید کرد: آینده اروپا و اوکراین را خود اروپائی‌ها و اوکراینی‌ها باید تعیین کنند.

حدود ۵۰ سال پیش در مذاکراتی که به توافق هلسینکی منجر شد، کشورهای اروپائی فعالانه حضور داشتند. مذاکراتی که نمایندگان بیش از ۳۰ کشور قاره اروپا از جمله شوروی سابق و آمریکا و کانادا حضور داشتند که به توافق تاریخی بین کاهش تنش‌های بلوک غرب و بلوک شرق در دوران جنگ سرد منتهی شد.

اما اکنون کنار گذاشتن اروپا از مذاکرات حیاتی در مورد جنگی که در این قاره جریان دارد تضاد شدیدی با روحیه همکاری حاکم بر روند هلسینکی دارد.

حالا متحدان و دوستان قدیمی گویا برابر هم قرار گرفته‌اند. اروپا می‌گوید شکسته شدن اتحاد میان متحدان دو سوی اقیانوس به نفع هیچ کدام نیست.

این تغییر چشمگیر در وضعیت ژئوپلیتیک رهبران اروپائی را وادار کرده است تا یک بار دیگر و شاید جدی‌تر از همیشه به استقلال راهبردی و موضع دفاعی خود ببینند.



پایان اجلاس اضطراری پاریس درباره اوکراین

مقام‌های امریکا و روسیه برای گفت‌وگوهای صلح اوکراین وارد پایتخت عربستان سعودی شده‌اند و از سوی دیگر، رهبران اروپا در اجلاس پاریس بر ضرورت افزایش بودجه دفاعی این قاره و همچنین لزوم ضمانت امنیتی امریکا تاکید کردند.

اجلاس پاریس روز دوشنبه ۲۹ بهمن با حضور چند تن از سران اروپا برگزار شد و اندکی پیش از آن رئیس‌جمهور فرانسه با همتای امریکائی خود تلفونی گفت‌وگو کرد.

به گزارش آسوشیندپرس، دفتر امانوئل مکرون جزئیاتی از مکالمه ۲۰ دقیقه‌ای او با دونالد ترامپ را منتشر نکرده است. مقام‌های اروپائی در روزهای اخیر گفته‌اند که از تصمیم دولت امریکا برای مذاکره با روسیه و برگزاری مذاکرات صلح اوکراین بدون حضور اروپا شگفت‌زده و نگران شده‌اند.

با این حال کیت کلاگ، نماینده ویژه دونالد ترامپ در امور اوکراین و روسیه، روز دوشنبه بار دیگر تاکید کرد که واشینگتن خواستار مشارکت متحدان اروپائی خود در روند گفت‌وگوها است اما «فکر نمی‌کنم که معقول و امکان‌پذیر باشد همه بر سر میز (مذاکرات) بنشینند.»

بیانیه‌ای رسمی درباره مواضع مطرح شده در اجلاس پاریس منتشر نشد اما یک مقام اتحادیه اروپا گفت که حاضران در این اجلاس توافق داشتند که برای دادن تضمین امنیتی به اوکراین آماده‌اند اما «آتش‌بس بدون توافق صلح همزمان خطرناک است.»

این مقام اتحادیه اروپا که نام او ذکر نشده نتایج اجلاس پاریس را این‌گونه خلاصه کرد: ما این آمادگی را داریم که با توجه به میزان حمایت‌های امریکا، تضمین‌های امنیتی بدهیم و کیفیات این تضمین‌ها را هم طرفین می‌توانند بررسی کنند.

همچنین کئیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، در پیامی ویدئویی تاکید کرد که تضمین امنیتی ایالات متحده تنها راه موثر برای باز داشتن روسیه از حمله مجدد به اوکراین است. استارمر که پیشنهاد اعزام صلح‌بان‌های اروپائی به اوکراین را مطرح کرده است بر ضمانت امنیتی امریکا در توافق صلح اوکراین تاکید کرد.

پیشنهاد اعزام صلح‌بان‌های اروپائی به اوکراین یک روز پیش‌تر از سوی نخست‌وزیر بریتانیا مطرح شد و حاضران در اجلاس پاریس مواضع متفاوتی به آن نشان دادند.

صدر اعظم آلمان و نخست‌وزیر ایتالیا این پیشنهاد را «بسیار نامناسب در زمان فعلی» و یکی از «پیچیده‌ترین و شاید کم‌تاثیرترین فرضیه‌ها» خواندند. با این حال مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک، گفت: «متأسفانه روسیه اکنون تمام اروپا را تهدید می‌کند.»

شرکت‌کنندگان در اجلاس پاریس بر سر موضوع افزایش هزینه‌های دفاعی اروپا دیدگاه‌های نزدیک‌تری داشتند و با افزایش رقم این هزینه‌ها به بالاتر از دو درصد از تولید ناخالص داخلی موافق بودند.

همچنین به نوشته آسوشیندپرس، سران برخی از کشورهای اتحادیه اروپا که به اجلاس پاریس دعوت نشده بودند، از جمله رهبران مجارستان، اسلونی و اسلواکی، به شدت از این موضوع انتقاد کردند.

در پایان این اجلاس رهبران بریتانیا، آلمان، ایتالیا، لهستان، اسپانیا، دانمارک، هلند و فرانسه که میزبان بود در کنار رهبران اتحادیه اروپا و ناتو تاکید کردند که هرگونه تلاش و مذاکره‌ای برای پایان دادن به جنگ در اوکراین باید با حضور کییف و کشورهای اروپائی شکل گیرد.

با این حال، کنیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا در جمع‌بندی خود از این اجلاس تاکید کرد که برای شکل‌گیری یک «صلح پایدار» در اوکراین ضمانت امنیتی امریکا ضروری خواهد بود.

نخست‌وزیر بریتانیا گفت که اروپا «باید نقش خود را ایفا کند... اما هرگونه تضمین امنیتی برای آینده اوکراین باید از پشتیبانی امریکا برخوردار باشد.» استارمر که به‌نظر می‌رسد بنا دارد امریکا و اتحادیه اروپا را بر سر تلاش دولت دونالد ترامپ برای صلح در اوکراین به هم نزدیک کند، در ادامه اظهاراتش گفت: «موضع اخیر دولت امریکا دور از انتظار نبود» و بیانگر این است که اروپا باید «مسئولیت» امنیت خود را بر عهده بگیرد.

دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان پیش از اجلاس در پاریس به خبرنگاران گفت رهبران اروپائی را ترغیب خواهد کرد که «فورا» بودجه دفاعی خود را افزایش دهند. توسک در توجیه نظر خود استدلال کرد که اروپا «قادر به مقابله با توان بالقوه روسیه» نیست و به همین دلیل لازم است که توان خود را با قدرت مسکو تطبیق دهد: «اگر برای توانائی‌های دفاعی خودمان فورا گام‌های عملی بر نداریم، قادر نخواهیم بود که به اوکراین هم کمک موثری کنیم.»

همسو با اظهارات نخست‌وزیر لهستان، اورزولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا گفت‌وگوهای پاریس را «حیاتی» توصیف کرد و گفت که امنیت قاره اروپا در یک نقطه عطف قرار گرفته است. خانم فون‌درلاین خواستار تغییری فوری در ذهنیت رهبران اروپائی و افزایش بودجه‌های دفاعی شد.

عصر دوشنبه ۱۷ فوریه، کنیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا پس از اجلاس پاریس گفت پس از رسیدن به صلح بین روسیه و اوکراین «ضمانت امنیتی امریکا» تنها راه بازدارنده روسیه از حمله مجدد به اوکراین است.

استارمر گفت هفته آینده به واشنگتن خواهد رفت تا با دونالد ترامپ درباره «عناصر کلیدی یک صلح پایدار» گفت‌وگو کند. او افزود که پس از بازگشت از امریکا قرار یک جلسه دیگر را با همکاران اروپائی خود خواهد گذاشت و طی روزهای آینده با ولودیمیر زلنسکی صحبت خواهد کرد.

استارمر در پاسخ به سئوالی درباره ارسال نیروی نظامی بریتانیا به خط مقدم اوکراین گفت صحبت درباره این موضوع خیلی زود است.

اجلاس پاریس در حالی برگزار شد که قرار است مقام‌های امریکا و روسیه روز سه‌شنبه ۱۸ فوریه در پایتخت عربستان سعودی با یکدیگر دیدار کنند.



اجلاس اوکراین در کاخ الیزه: اروپایی‌ها، چند دسته شده‌اند

امانوئل مکرون روز چهارشنبه دومین اجلاس خود را با رهبران کشورهای اروپایی برگزار کرد، اما اختلافات میان این کشورها مانع از رسیدن به یک موضع مشترک شده است. در حالی که ایالات متحده به‌تندی در عربستان سعودی با روسیه مذاکره می‌کند؛ اروپا همچنان در رسیدن به توافق درباره صلح در اوکراین ناکام است. امانوئل مکرون همچنان خود را رهبر کشورهای -چه اروپایی و چه غیراروپایی- می‌بیند که از سیاست‌های بسیار دوستانه دولت ترمپ نسبت به مسکو ناراضی‌اند. دوشنبه، رئیس‌جمهور فرانسه گروهی از رهبران اروپایی، مقامات اتحادیه اروپا و ناتو را دعوت کرد تا درباره این «تسریع روند» مذاکرات بحث کنند. روز چهارشنبه نیز او اجلاس دیگری درباره اوکراین برگزار کرد.

اومانیته در تفسیری پیرامون این اجلاس می‌نویسد: مشکل اصلی این اجلاس در روش آن نهفته است: رئیس‌جمهور فرانسه خودش لیست مهمانان را بر اساس معیارهای نامشخص و غیرشفاف تعیین می‌کند. در ابتدای هفته، در کنار بریتانیا، آنتونیو گوستا (رئیس شورای اروپا)، اورزولا فون در لاین (رئیس کمیسیون اروپا) و مارک روتته (دبیرکل ناتو)، شش کشور عضو اتحادیه اروپا شامل آلمان، ایتالیا، لهستان، اسپانیا، هلند و دانمارک در اجلاس حضور داشتند. با این حال، بیست و یک کشور عضو اتحادیه اروپا از این اجلاس کنار گذاشته شدند، از جمله کشورهای حوزه بالتیک که خود را به‌عنوان اهداف احتمالی بعدی ولادیمیر پوتین در صورت پیروزی در جنگ اوکراین می‌دانند. یکی دیگر از محدودیت‌های این اجلاس، اختلافات میان کشورهای شرکت‌کننده بود. اجلاس روز دوشنبه ظاهراً با هدف نمایش اتحاد برگزار شد، اما در نهایت نشان داد که عدم اجماع میان اعضا مانع از اتخاذ هرگونه اقدام مشترک شده است.

موضوع اعزام نیروهای نظامی به اوکراین به اصلی‌ترین نقطه اختلاف میان کشورهای تبدیل شد: کئیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، از این ایده حمایت کرد، در حالی که اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، به‌شدت با آن مخالفت کرد. افزایش تعداد کشورهای حاضر در این اجلاس نیز راه‌حلی برای این مشکل ارائه نداد. همین تفاوت دیدگاه‌ها باعث شده است که اروپا همچنان فاقد یک سیستم دفاعی مشترک باشد، هرچند که امانوئل مکرون بارها خواستار ایجاد چنین سیستمی شده است. اما تحرکات دیپلماتیک او هرگز نتوانسته این مشکل اساسی را حل کند: اروپا در نهایت چیزی جز مجموعه‌ای از منافع متضاد کشورهای عضو نیست.

پیش از برگزاری این اجلاس دوم، که این بار کشورهای حوزه بالتیک و کانادا نیز در آن شرکت داشتند، مکرون در مصاحبه‌ای با رسانه‌های منطقه‌ای اظهار داشت که «روسیه یک تهدید وجودی برای اروپایی‌ها محسوب می‌شود.» او همچنین از تلاش‌های دونالد ترمپ به‌عنوان فرصتی برای «از سرگیری یک گفت‌وگوی مفید» یاد کرد.

با این حال، اظهارات ترمپ که ولودیمیر زلنسکی را به شروع جنگ متهم کرده و او را مسؤول ادامه درگیری‌ها می‌داند، اروپائی‌ها را در موقعیتی قرار داده است که مجبور به انتخاب بین دو گزینه‌اند: یا باید اختلاف با واشنگتن را بپذیرند و یا در برابر سیاست‌های متناقض آن، همچنان سرگردان بمانند.

ولودیمیر زلنسکی که به امارات متحده عربی سفر کرده است، روز دوشنبه ۲۹ بهمن در ابوظبی، همچنین تصریح کرد دولت اوکراین در جریان مذاکرات آتی میان امریکا و روسیه قرار نگرفته است.

او گفت که هرگونه مذاکره بر سر اوکراین، بدون حضور خود این کشور نتیجه‌ای نخواهد داشت: «ما نمی‌توانیم هیچ توافقی را بدون حضور خودمان در مذاکرات به رسمیت بشناسیم.» زلنسکی به ترکیه سفر کرد و با اردوغان رئیس جمهور ترکیه دیدار و گفت‌وگو کرد. اما زلنسکی به عربستان دعوت نشد و گفته می‌شود شاید یک ماه دیگر چنین سفری میسر گردد.



وزیر خارجه امریکا: می‌توانیم کار رژیم ایران را تمام کنیم، اما ترمپ صلح‌طلب است!؟

مارکو روبیو در مصاحبه با کاترین هریچ، روزنامه‌نگار امریکائی-کانادائی که توسط وزارت امور خارجه امریکا منتشر شده است، درباره نحوه مقابله دولت ترمپ با جمهوری اسلامی گفته است که ایالات متحده قدرت آن را دارد که به حکومت ایران پایان دهد، اما ترمپ صلح‌طلب است و چنین گزینه‌ای را نمی‌خواهد.

این مقام ارشد دولت ترمپ گفت: درباره گزینه‌های امریکا صحبتی نمی‌کنم. همین کافی است که بگویم که اگر بخواهد می‌تواند پایان رژیم ایران را رقم بزند، اما پرزیدنت ترمپ صلح‌طلب است و ترجیح می‌دهد چنان شرایطی ایجاد نشود.

وزیر خارجه امریکا در گفت‌وگوی خود تاکید کرد که این کشور اجازه نخواهد داد رژیم ملاحا به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند تا جهان را به گروگان بگیرد و به اسرائیل حمله کند و گفت که دولت ترمپ به دنبال بازگشت به فشار حداکثری بر حکومت ایران است.

در همین حال مایک والتز، مشاور امنیت ملی امریکا امروز در همایش جمهوری خواهان در واشنگتن دی‌سی تاکید کرد که در دوران ریاست جمهوری ترمپ، ایالات متحده هر کاری انجام خواهد داد تا این اتفاق نیفتد، چرا که اگر رژیم ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، می‌تواند اسرائیل، متحد ما را نابود کند.

او در ارتباط با بحران خاورمیانه نیز گفت: در پی حمله تروریستی هفت اکتبر و حملات متعاقب اسرائیل به حکومت ایران و نیابتی‌های آن، حزب‌الله به‌شدت تضعیف شده است، حکومت مستبد بشار اسد در سوریه ساقط شده و محور ترور جمهوری اسلامی در منطقه عملاً مختل شده است.

مشاور امنیت ملی ترمپ ادامه داد: رئیس جمهور ترمپ، اخیرا دستوری را برای از سرگیری فشار حداکثری امضاء کرده است تا پای خود را بر گروی اقتصاد حکومت ایران نگه دارد.

ترمپ در مصاحبه تازه خود با فاکس نیوز، با تکرار ادعای پیروزی بر جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ادعا کرد: «اگر در انتخابات تقلب نمی‌شد، جنگ (اوکراین) هرگز اتفاق نمی‌افتاد. همچنین حمله هفت اکتبر (طوفان الاقصی) هم هرگز حادث نمی‌شد. ایران ورشکسته بود و وضعیتشان به جایی رسیده بود که پول‌شان واقعا داشت تمام می‌شد اما حالا ۳۵۰ میلیارد دلار دارند اما آن‌ها مشکلات دیگری دارند.»

ترمپ ادعا کرد: «اگر شما به هفت اکتبر نگاه کنید، حماس پولی نداشت چون ایران قادر نبود به آن‌ها پول بدهد ایران پولی نداشت من تحریم‌های شدیدی علیه آن‌ها اعمال کردم چین از آن‌ها نفت نمی‌خرید من به چین گفتم اگر از آن‌ها نفت بخرید شما نمی‌توانید با ایالات متحده داشته باشید.»

خبرنگار فاکس نیوز پرسید: «آیا شما فکر می‌کنید امکان توافق در آنجا (توافق) با ایران وجود دارد؟»
ترمپ جواب داد: «بله من فکر می‌کنم که ما درباره ایران یک توافق می‌کنیم. من ترجیح خواهم داد، خوب می‌دانید که افراد بسیاری فکر می‌کنند که ما به ایران حمله خواهیم کرد یا اسرائیل (به ایران حمله خواهد کرد) اما اسرائیل به ما نیاز دارد. همه به ما نیاز دارند. ما سلاح (حمله) را داریم ما توانمندی (این کار را داریم) ما بسیار قوی هستیم.»
ادعای رئیس‌جمهور امریکا در شرایطی مطرح شده که مقامات ایران با اشاره به سابقه طولانی از خلف وعده‌های امریکائی‌ها، هرگونه مذاکره را رد کرده‌اند.

ترمپ مدعی شد: «دو روش برای توقف آن‌ها وجود دارد: با بمب‌ها یا با یک کاغذ مکتوب و من بسیار بیش‌تر ترجیح می‌دهم که توافق داشته باشیم که به آن‌ها آسیب وارد نشود و فکر می‌کنم آن‌ها هم همین را می‌خواهند.»

سناتور گراهام: مدل لیبیا یا بمباران تاسیسات هسته‌ای ایران

هیاتی از سناتورهای جمهوری خواه و دموکرات با سران اسرائیل دیدار کردند. لیندزی گراهام سناتور ارشد سنا گفت ایران مجهز به سلاح اتمی، کابوسی برای اسرائیل و جهان است و دو گزینه برای برنامه هسته‌ای ایران هست؛ بمباران یا توافق.

گروهی از قانون‌گذاران امریکائی از جمله لیندزی گراهام، جونی ارنست سناتورهای جمهوری خواه و شلدون وایت‌هاوس، ریچارد بلومنتال، آدام شیف و اندی کیم از حزب دموکرات به اسرائیل سفر کردند.
هیات امریکائی شامگاه دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۷ - فوریه، در مقر ارتش اسرائیل در تل‌آویو با بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل دیدار و رایزنی کردند.

سناتورهای امریکائی پس از این دیدار در یک کنفرانس خبری با خبرنگاران شرکت کردند.
لیندزی گراهام در این اجلاس خبری اظهار داشت ایران مجهز به سلاح اتمی، کابوسی برای اسرائیل و جهان است، زیرا کشورهای عربی هم به دنبال سلاح هسته‌ای هستند و رقابت تسلیحات اتمی آغاز می‌شود.
این سناتور ارشد در مجلس سنا امریکا تاکید کرد جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را برای دستیابی به سلاح هسته‌ای افزایش داده و آن را «تضمینی» برای بقای خود ارزیابی می‌کند.
گراهام تاکید کرد جاهطلبی‌های هسته‌ای ایران هرگز محقق نخواهد شد.

گراهام در ادامه افزود: «دو گزینه در مورد برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد؛ یا به اسرائیل باید کمک کرد تا تاسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کند و او این مسیر را ترجیح می‌دهد و یا گزینه مذاکرات است که مقامات ایرانی را قانع کرد که «جاهطلبی‌های هسته‌ای» خود را کنار بگذارند.

سناتور گراهام در ارتباط با گزینه دوم توضیح داد اگر حکومت ایران مسیر مذاکره را انتخاب کند باید برای آن زمان مشخصی تعیین شود. این سناتور سنا «مدل خلع سلاح هسته‌ای لیبیا» را پیشنهاد کرد که از نظر «دیپلماتیک» هم مورد قبول جامعه بین‌الملل است.

«مدل لیبیا»، شامل تخریب کامل زیرساخت‌های هسته‌ای و دست کشیدن از جمع‌آوری اورانیوم غنی‌سازی شده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» اعلام کرد که همه گزینه‌ها روی میز هستند اما او مذاکره با ایران را ترجیح می‌دهد. ترامپ تأکید کرد که به جای حمله نظامی به ایران ترجیح می‌دهد که با جمهوری اسلامی به توافقی هسته‌ای دست یابد.

ظاهراً درخواست رئیس‌جمهور آمریکا اما با مخالفت سران جمهوری اسلامی روبه‌رو شد.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، روز جمعه ۱۹ بهمن ۷- فوریه، در سخنرانی خود، خطاب به فرماندهان نیروی هوایی ارتش، مذاکره با آمریکا را «غیرعقلانه، غیرهوشمندانه و غیرشرافتمندانه» خواند. او با استناد به تجربه توافق هسته‌ای برجام، ادعا کرد که گفت‌وگو با واشنگتن هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. خامنه‌ای در تازه‌ترین موضع‌گیری خود در روز دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۷- فوریه، خطر «تهدیدهای نرم افزاری دشمن» را بیش‌تر از «تهدیدهای سخت‌افزاری» دانست.

هشدار روزنامه جمهوری اسلامی درباره معامله ترامپ و پوتین درباره ایران

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود درباره احتمال معامله ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا بر سر ایران هشدار داد و تأکید کرد منافع ملی کشور ایجاب می‌کند اقدامات روسیه در چگونگی تعاملش با آمریکا، زیر نظر گرفته شود.

این روزنامه اول اسفند تأکید کرد که تا دیرتر نشده باید درصد «پیدا کردن راه چاره‌ای برای مبتلا نشدن به عوارض معامله بزرگ میان روسیه و آمریکا» بود.

در این سرمقاله هشدار داده شده که پوتین در ازای به دست آوردن بخش‌هایی از خاک اوکراین «دست ترامپ را در سرتاسر خاورمیانه باز می‌گذارد تا هر طور که می‌خواهد برای اسرائیل کارسازی کند» و «چشم خود را بر روی هر اقدامی که آمریکا بخواهد علیه ایران انجام دهد، خواهد بست».

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، ۳۰ بهمن گفت که آغاز مذاکرات بین آمریکا و روسیه، بر روند همکاری این کشور با جمهوری اسلامی تأثیر نخواهد گذاشت.

او تأکید کرد روسیه در راه حل و فصل مسائل مربوط به پرونده هسته‌ای، به جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «روسوفیل‌ها نفرمایند بالاخره اوکراین شکست خورد و مشخص شد که حق با روسیه بود! جنگ اوکراین، با تجاوز روسیه شروع شد و حالا هم هر اتفاقی برای اوکراین بیفتد، نتیجه معامله پوتین با ترامپ خواهد بود.»

این روزنامه تأکید کرد که در جنگ اوکراین، «حق این بود که جمهوری اسلامی ایران بی‌طرف باشد ولی روسیه وضعیتی به وجود آورد که ایران را متهم کرد و زیر بار عواقب سخت برد.»

در این سرمقاله یادآوری شد که عربستان سعودی با استفاده از فرصت جنگ اوکراین، ۲۱۱ میلیارد دلار نفت فروخت و «برنده اصلی اقتصادی این واقعه» شد.

ترمپ، از کشورهای عضو اوپک خواسته است برای ضربه‌زدن به درآمدهای نفتی روسیه و پایان دادن به مناقشه اوکراین، قیمت جهانی نفت را کاهش دهند اما ریاض با این خواسته مخالفت کرده است.

روزنامه جمهوری اسلامی، نوشت: «ایران هم می‌توانست با به کار گرفتن سیاست مدیرانه در این ماجرا به منافع زیادی از طریق فروش گاز و نفت برسد ولی افسوس که چنین نکرد. اکنون بار دیگر عربستان سعودی به صحنه آمده و با میزبانی مذاکرات امریکا و روسیه که معامله بزرگ آن‌ها بر سر اوکراین محور مهم آن است، درصدد کسب سودهای بیش‌تر است.»

پس از پیروزی ترمپ در انتخابات امریکا نیز برخی رسانه‌ها در ایران درباره معامله امریکا و روسیه درباره ایران هشدار دادند.

مطلبی که ترمپ درباره جمهوری اسلامی بازنشر کرد

دونالد ترمپ، رئیس جمهوری امریکا، یادداشتی درباره جمهوری اسلامی با عنوان «رژیم‌ها این‌گونه سقوط می‌کنند» را بازنشر کرد.

دونالد ترمپ شامگاه سه‌شنبه ۱۸ فوریه ۳۰- بهمن در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» یادداشتی را بازنشر کرد که در آن با استناد به گزارش روزنامه نیویورک تایمز درباره بحران انرژی و تعطیلی صنایع در ایران نوشته شده بود: «رژیم‌ها این‌گونه سقوط می‌کنند.»

این یادداشت را اشلی ریندزبرگ، نویسنده امریکایی، در «تروث سوشال» به اشتراک گذاشته بود. در این گزارش که روزنامه نیویورک تایمز حدود دو ماه قبل منتشر کرد، به تأثیرات گسترده منفی ناشی از وخامت بحران برق و خاموشی‌های مداوم بر صنایع و زندگی شهروندان ایران پرداخته شده است.

در هفته‌های گذشته، مقامات جمهوری اسلامی به‌طور مداوم مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز دولتی را در بسیاری از استان‌ها تعطیل کرده و برای اصناف و کسبه نیز محدودیت‌هایی اعمال کرده‌اند.

وضعیت خاموشی‌ها و بحران انرژی در ایران به اندازه‌ای بحرانی شده که در نخستین روز چهل و هفتمین سال حاکمیت جمهوری اسلامی، شامگاه سه‌شنبه ۲۳ بهمن، برق بسیاری از مناطق تهران و چند شهر دیگر ایران به‌طور ناگهانی و برای مدتی طولانی قطع شد. هم‌زمان، مدارس و ادارات در بیش از ۲۳ استان برای روز چهارشنبه ۲۴ بهمن تعطیل شدند.

قطع گسترده و بدون اطلاع قبلی برق، اعتراضات مردمی را در پایتخت برانگیخت. شماری از مردم خشمگین با سر دادن شعارهای ضدحکومتی به این وضعیت اعتراض کردند.

ویدئوهای منتشرشده از سوی شهروندان نشان می‌دهد که معترضان در تاریکی ناشی از قطعی برق، شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای، لعنت بر خمینی» سر دادند.

در حالی که بحران‌هایی مانند آلودگی هوا، کمبود برق و نوسانات ارزی کنترل‌نشده ادامه دارند، مقامات جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند این مشکلات را به آنچه «عملیات روانی دشمن» می‌نامند نسبت دهند. اما ناظران، مسؤولان حکومت را «گروهی ناآگاه» و عامل «سونامی ورشکستگی» کشور می‌دانند.

خبرگاه، کرملین: مذاکرات روسیه و امریکا ربطی به ایران ندارد

دمیتری پِسکوف، سخنگوی کرملین، اعلام کرد که مذاکرات روسیه با ایالات متحده تأثیری بر همکاری‌های آینده این کشور با ایران نخواهد داشت. نمایندگان امریکا و روسیه در ریاض درباره مذاکرات صلح اوکراین با یکدیگر دیدار می‌کنند.

پِسکوف روز سه‌شنبه، ۱۸ فوریه، در پاسخ به پرسش خبرنگار خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی، ایرنا، درباره احتمال درخواست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا، از مسکو برای توقف همکاری با تهران گفت: «روند تعامل میان مسکو و تهران به هیچ‌وجه به مناسبات روسیه و امریکا ارتباطی ندارد.»

هیات‌های نمایندگی امریکا و روسیه قرار است امروز در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، بر سر بهبود روابط دوجانبه و نیز مذاکرات صلح اوکراین با یکدیگر دیدار کنند.

روسیه و جمهوری اسلامی ایران یک پیمان شراکت استراتژیک، موسوم به «معاهده جامع راهبردی»، با یکدیگر امضا کرده‌اند.

این پیمان استفاده از قلمرو هر یک از این کشورها علیه دیگری را ممنوع می‌کند و طرفین را متعهد به عدم کمک به متجاوز می‌کند؛ البته در چنین وضعیتی هیچ‌یک از طرفین موظف به کمک به طرف مقابل قرار داد نشده است.

همه ترلیون‌های ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری او

شلدون آدلسون

در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲، ۹۸ میلیون دلار خرج کرد تا اواما بار دیگر روی صندلی کاخ سفید ننشیند. اگرچه او به هدفش نرسید، اما ۴ سال بعد مصمم‌تر از پیش بازگشت تا جشن پیروزی حزب جمهوری‌خواه را همراه با دونالد ترامپ در کاخ سفید بگیرد. او که در ماه مه اعلام کرد نامزد مورد حمایتش ترامپ است، از طریق «کمیته‌های اقدام سیاسی» موسوم به «سوپر پکس» (super PACS) حدود ۱۰۰ میلیون دلار به ستاد انتخاباتی ترامپ کمک کرده است. پولی که در کنار هزینه رقابت‌های انتخاباتی، صرف تبلیغات منفی علیه رقبای ترامپ شد.

پیتر تیل

یکی از سردمداران سیلیکون‌ولی و ثروتمندان جهان که ۱۰ درصد از سهام فیس‌بوک را نیز در اختیار دارد، تبدیل به یکی از حامیان بزرگ ترامپ شده است. او که سابقاً در سال ۲۰۱۲ از ران پال حمایت کرده و تابستان گذشته دو میلیون دلار به سوپر پک (کمیته‌های سیاسی که با هدف تأثیر بر انتخابات کمک‌های مالی نامحدودی از شرکت‌ها، اتحادیه‌ها یا افراد ثروتمند دریافت می‌کنند) اهدا کرده، نشان داده که دست و دل‌باز است. اگرچه هنوز مدرکی از کمک‌های او به فراخوان ترامپ در دست نیست، اما دوستی این دو نشان می‌دهد که پای مبلغ قابل توجهی در میان است.

کارل آیکان

یکی دیگر از بزرگترین میلیاردرهای جهان که معتقد است ترامپ قادر است عزت امریکا را باز گرداند، کارل آیکان است. این تاجر ترک‌تبار در مورد ترامپ گفته است: «تنها کسی مثل ترامپ می‌تواند ما را از این وضعیت اسفبار بیرون بکشد.» طی هفته‌های نخست اعلام کاندیداتوری ترامپ، آیکان و همسرش بیش از ۱۰۰ هزار دلار به فراخوان او کمک کردند.

ویلبور راس

ثروت افسانه‌ای راس از طریق سرمایه‌گذاری روی شرکت‌های ورشکسته و شکست‌خورده به‌دست آمده است. شاید او بهتر از هرکس دیگری بداند، چه‌طور نمودار نزولی را برعکس کند. او در سری گذشته انتخابات ریاست‌جمهوری به میت رامنی نامزد جمهوریخواه، ۲۵ هزار دلار کمک کرده بود.

آندرو بیل

بانکدار و تاجر بزرگ امریکائی که علاقه زیادی به سرمایه‌گذاری و قمار دارد، بختش را روی دوست دیرینه‌اش امتحان کرد. فراخوان تبلیغاتی ترمپ هم در عوض پول‌هایی که بیل خرجش کرده، قدرشناسی نشان داده و طی بیانیهای او را «بزرگترین و موفق‌ترین سرمایه‌گذار کشور» نامیده است. وی حدود ۵۰۰ هزار دلار پول به فراخوان ترمپ برده است.

دن بیلزریان

سرمایه‌گذاری را از پدرش پائول بیلزریان آموخته و ظرف مدت کوتاهی توانسته شهرت و ثروت زیادی برای خود دست‌وپا کند. او که یکی از مشهورترین قماربازان جهان است، اعلام کرده بود در سال ۲۰۱۶ کاندیدای ریاست جمهوری خواهد شد، اما از این کار منصرف شد و در عوض به حمایت از ترمپ روی آورد.

مایک تاپسون

قهرمان بوکس جهان نیز درباره انتخابات ریاست‌جمهوری سکوت نکرده و موضعش را این‌گونه اعلام کرده است: «بگذارید او رئیس جمهوری شود. بگذارید امریکای دیگری را تجربه کنیم. امریکائی که تجارت واقعی و درست را تجربه کند. جایی که رنگ پوست مهم نباشد و هر کسی که شایسته کار بود، براحتی کار بیابد.»

سیلواستر استالونه

استالونه یک جمهوریخواه دو آتشه است. او تقریباً در هر جا و هر رویدادی که بتواند کمکی به جمهوریخواهان داشته باشد، دریغ نمی‌کند. بارها اقدام به جمع‌آوری اعانه و سخنرانی به نفع حزب جمهوریخواه کرده است. او خاطرات بسیاری با ترمپ دارد و او را یک مرد فوق‌العاده می‌داند که همچون آرنولد شوآرتزنگر امثال‌شان بسیار کم است.

بروس ویلیس

این ستاره هالیوودی که هم در فیلم‌های اکشن و هم فیلم‌های درام خوش درخشیده است، جزو کسانی است که علناً از ترمپ حمایت کرده و به همین خاطر مورد انتقاد برخی محافل رسانه‌ای امریکا قرار گرفته است. اوج اعتراضات علیه وی در شوی تلویزیونی «جیمی فالون» بود که با پوشش و کلاه و موهای ترمپ در برنامه حاضر شد و از او دفاع کرد.

رابرت کیوساکی

رفیق دیرینه ترمپ درباره‌اش گفته: «وقتی مناظره‌ها را تماشا می‌کردم، با خودم می‌گفتم کدام یک از این نامزدهای انتخاباتی توانائی پول در آوردن را دارد؟ پس از مدتی متوجه شدم که همه آنها فقط توانائی خوب خرج کردن را دارند مگر یک نفر؛ و آن هم ترمپ بود. من به او رأی می‌دهم چون شایسته پول در آوردن است.»



سلبریتی‌های و سرمایه‌داران حامی ترمپ در انتخابات اخیر امریکا

چهره‌هائی در رقابت ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ حمایت خود را از ترمپ اعلام کرده‌اند که عموماً تا چندی پیش درباره مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کردند.

با این‌که اکثر سلبریتی‌ها نقاب لیبرالیسم را به‌صورت خود می‌زنند و حامی سیاست‌مداران این طرز فکر هستند، با این حال تعدادی از افراد مشهور نیز مواضع محافظه‌کارانه و حتی فاشیستی هم دارند.

دونالد ترمپ پیش از ورود به عرصه سیاسی در سال ۲۰۱۵، رفقای بسیاری را میان سلبریتی‌ها داشت. او حتی سریال اختصاصی خود با نام «شاگرد» The apprentice را برای چند فصل در شبکه NBC جلوی دوربین برد. اما با ورود به رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری به‌عنوان یک جمهوری‌خواه، تعدادی از این دوستان دیروز به دشمنان امروز وی تبدیل شدند.

با این حال در رقابت‌های ۲۰۲۴ سلبریتی‌های جدیدی و بعضاً جوانی حمایت خود را از نماینده جمهوری‌خواهان اعلام کردند.

ترمپ حتی در صفحه تروث سوشال خود نوشته بود: «سیاست‌های من برای تیلور سوئیفت خیلی خوب بوده است، اما انگار او مرا دوست ندارد.»

نام‌های عجیب‌تری در این دوره از نامزد جمهوری‌خواهان در رقابت ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ حمایت کرده‌اند.

دوستی دیرینه‌ای میان نامزد جمهوری‌خواهان و رئیس مبارزات در قفس UFC وجود دارد. ترمپ به دفعات با دینا وایت وارد سالن برگزاری این مسابقات شده و به‌نوعی مهمان ویژه این رویدادها است.

اغلب هواداران این ورزش، محافظه‌کاران هستند و ترمپ نهایت به‌رمداری را از حضور در چنین محافلی می‌کند. حتی چند تن از ورزشکاران امریکائی UFC حمایت خود از ترمپ را اعلام کرده‌اند.

دینا وایت، چند روز پیش از برگزاری مجمع ملی جمهوری‌خواهان، به ایتالیا رفته بود، اما وقتی که ترمپ با او تماس گرفت و گفت «می‌خواهم من را برای سخنرانی در مجمع معرفی کنی» سریعاً سوار هواپیما شد و خود را به شهر برگزاری این رویداد رساند. وایت، ترمپ را به‌مانند یک مبارز UFC، برای سخنرانی در مجمع ملی جمهوری‌خواهان معرفی کرد.

آندرتیکر در دوران فعالیت خود در مسابقه‌های کشتی کج، مردی بسیار کم‌حرف بود؛ اما در دوران بازا جلا سگی، مواضع سیاسی خود را مشخص کرده است. او چند روز پیش نماینده محافظه‌کاران را به پادکست خود دعوت کرد و به

مردم امریکا گفت: «انتخاب با خودتان است: ترمپ و کین و آندرتیکر، یا کاملاً هریس و دیو باتیستا و تیم والز.» ترمپ علاوه باین که یکی از مشتریان اصلی مسابقات کشتی کج بوده است، چند ماهی به‌عنوان حریف وینس مکمن در این مسابقات نیز شرکت می‌کرده است.

تایسون و ترمپ، از رفقای دیرینه بوده و او به‌تماشای مسابقات بوکس او می‌رفته است.

پیش از حواشی رپر مشهور امریکائی در دو سال اخیر، اگر هر موقع دیگری کانیه حمایت خود را از ترمپ اعلام می‌کرد، نماینده محافظه‌کاران در هر محفلی که می‌رفت و در هر سخنرانی که شرکت می‌کرد، مطمئن می‌شد مردم یادشان نرود که «راستی کانیه از من حمایت کرده است»؛ اما این خواننده با اظهارات تند خود درباره این‌که «یهودی‌ان همه چیز را در امریکا اداره می‌کنند... آن‌ها برای همه چیز تصمیم می‌گیرند... آن‌ها مسبب بدبختی‌های سیاه‌پوستان در امریکا هستند...» و بزرگترین گناه او با وجود جوامع غربی بیان «تمامی اقدامات هیتلر بد نبود و کارهای هم خوب هم کرده است» بود؛ چنین مواضعی، ارزش حمایت کانیه را نزد ترمپ پائین آورده است.

بازیگر کهنه‌کار هالیوودی خود را یک جمهوری‌خواه نمی‌داند؛ او در دوران مختلف حتی به نمایندگان دموکرات‌ها در رقابت‌های ریاست‌جمهوری نیز رای داده است.

کواید اخیرا در نقش دونالد ریگان (محبوب‌ترین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه در ۱۳۰ سال اخیر) در فیلمی با همین نام نیز نقش اصلی را بازی کرده است.

ستاره هالیوودی در مصاحبه با پیرز مورگان درباره ترمپ گفت: «شاید مردم او را عوضی بخوانند، اما او از آن دسته از عوضی‌هایی است که من دوستشان دارم.»

در حالت عادی، حمایت همسر یک بازیکن فوتبال امریکایی از ترمپ، حتی اگر شوهر او بهترین بازیکن لیگ هم باشد، خبرساز نمی‌شود؛ اما ماجرای بریتنی ماهومز، از این منظر حائز اهمیت شد که تیلور سوئیفت، «پارتنر» یکی دیگر از همبازیان ماهومز در تیم کنزاس سیتی چیفس بوده و ستاره موسیقی و بریتنی ماهومز با یکدیگر به تماشای این بازی‌ها می‌رفتند و گویا با یکدیگر دوست نیز شده بودند.

این خانم به‌صورت رسمی از ترمپ حمایت نکرده که احتمالا به‌علت وحشت از واکنش تند سوئیفتی‌ها (هواداران) که ملکه پاپ را می‌پرستند) بوده است؛ اما او یکی از پست‌های ترمپ و چند کامنت طرفدارانه از او را لایک کرده بود.

از آنجائی که ترمپ به‌شدت به حمایت زنان و به‌ویژه یک زن مشهور احتیاج دارد، او از بریتنی ماهومز تشکر کرد.

این مسائل موجب شد که برخی از شیفتگان سوئیفت، از پردرآمدترین خواننده امریکایی بخوانند تا رابطه خود را با بریتنی ماهومز قطع کند. برخی از رسانه‌ها در این برهه زمانی می‌گفتند که ارتباط این دو زن، مخدوش شده است، اما این دو زن حداقل برای آرام کردن حواشی، حین تماشای بازی‌های تنیس در امریکا، یکدیگر را در آغوش گرفتند.

برخی از هواداران سوئیفت، او را به‌علت عدم قطعه رابطه با بریتنی ماهومز و عدم حمایت از گروه‌های رنگین‌کمانی، «بی‌وجود در مقبره سکوت خود» خواندند.

البته وقتی که ترمپ در واکنش به حمایت سوئیفت از کامالا هریس در صفحه خود گفت: «من از تیلور سوئیفت متنفرم»، تاحدودی حمایت بریتنی ماهومز از خود را متزلزل کرد. گویا همسر بازیکن فوتبال، از این پست رنجیده شده بود.

لوی تنها بازیگری است که در نقش یک ابرقهرمان ظاهر شده و نه تنها حمایت خود را از ترمپ اعلام کرده است، بلکه در تجمع کمپین او در میشیگان نیز سخنرانی کرد.

در گزارش مواضع ترمپ در قبال حق سقط جنین اشاره شد که نماینده جمهوری‌خواهان برای نرم کردن چهره حزب خود، نیاز به جذب زنان دارد. با توجه به اختلاف ۴۰ درصدی حمایت زنان مجرد زیر ۲۸ سال از کامالا هریس، مرد اول محافظه‌کاران به حمایت زنانی نظیر امبر رُز احتیاج دارد. با توجه به این‌که رُز، یک مدل مشهور اینستاگرامی است، جمهوری‌خواهان مذهبی، دوست ندارند که چنین افرادی به حزب آنان بپیوندند. با این حال نه تنها ترمپ، حمایت این زن را رد نکرد، بلکه امبر رُز در مجمع ملی جمهوری‌خواهان نیز سخنرانی کرد.

محافظه‌کاران مسیحی و سنتی، معتقدند کسی که سقط جنین انجام داده و مدل اینستاگرام است، سفیر خوبی برای ارزش‌های محافظه‌کارانه نیست.

خواننده مشهور سبک کانتری، با آهنگ «اگه جرات داری این کارها را در شهرهای کوچک بکن» چندی پیش در سیبل لیبرال‌ها قرار گرفت. منظور او از این ترانه، اشاره به اغتشاشات سال ۲۰۲۰ و اقدامات بازوی اراذل و اوباشی حزب دموکرات است.

الدین به‌همراه همسرش در مجمع ملی جمهوری‌خواهان حضور داشت.

کارلسون هم‌اکنون پرمخاطب‌ترین پادکست را در پلتفرم اسپاتیفای دارد. او پس از جدائی از شبکه فاکس نیوز، خیلی راحت‌تر مواضع خود در قبال مسائل حساس را بیان کرده و دشمنان جدیدی نیز در میان جمهوری‌خواهان پیدا کرد. بر کسی پوشیده نبود که کارلسون مخالف اغلب سیاست‌های لیبرال‌ها است، اما او در چند ماه اخیر، مخالفت خود با ارسال کمک‌های مالی و نظامی به اسرائیل و اوکراین را اعلام کرده و اخیراً فردی را به پادکست خود دعوت کرده بود که موضعی ناهمسو با روایت غربی‌ها از جنگ جهانی دوم را بازگو می‌کند. صهیونیست‌هایی که در جمع جمهوری‌خواهان نفوذ دارند و حامی ترمپ هستند، می‌گویند که نماینده جمهوری‌خواهان باید از تاکر کارلسون دوری کند. ناگفته نماند که کارلسون یکی از سخنرانان اصلی در مجمع ملی جمهوری‌خواهان بود.

ولار یکی از شناخته شده‌ترین چهره‌های جوان راست‌گرا در اروپا است. برخی از کارشناسان سیاسی، ظهور چنین افرادی را علت روی کار آمدن گرت ویلدر و قدرت گرفتن حزب AFD در آلمان می‌دانند.

زمانی که اغلب رسانه‌های اروپائی، اعتصابات کشاورزان هلندی علیه دولت را پوشش نمی‌دادند، ولار با مصاحبه با نماینده کشاورزان و دامداران، موجب بازتاب گسترده نارضایتی مردم از دولت هلند در توئیتر شد. او به دفعات در گردهمائی‌ها و سمینارهای محافظه‌کاران اروپائی سخنرانی کرده و از طرفداران ترمپ نیز هست. رپر معروف امریکائی، تقریباً موافق هیچ یک از سیاست‌های امروز حزب دموکرات نیست. او پس از سوءقصد به جان ترمپ، تصویر نامزد محافظه‌کاران را روی جلد آلبوم موسیقی جدید خود انداخت.



جیک پال یکی از مشهورترین یوتیوبرهای جهان بوده و جزو پردرآمدترین اینفلوئنسرهای این پلتفرم نیز است. او به دفعات در صفحه خود در توئیتر و در پادکست‌های مختلف در یوتیوب، حمایت خود از ترمپ را اعلام کرده است. تعدادی از دیگر یوتیوبرهای معروف نظیر نیک بویز و آدین راس نیز علاوه بر حمایت از ترمپ، کمپین جمع‌آوری رای برای او نیز به راه انداخته‌اند.



بسیاری علت محبوب شدن مسابقات کشتی کج در آمریکا را هالک هوگان می‌دانند؛ او به سبک نمایش‌های خود در این مسابقات، پیراهن خود را در مجمع ملی جمهوری‌خواهان پاره کرد و از مردم خواست که به ترمپ رای دهند.

با وجود حمایت ۸۵ درصدی سیاهپوستان امریکائی از دموکرات‌ها در انتخابات، چند تن از رپرهای مشهور نظیر؛ Lil Wayne، DaBaby و Azealia Banks در این دوره از ترمپ حمایت کرده‌اند.

بزرگترین سرمایه‌داران بزرگ جهان در تیم ترمپ و تلاش آن‌های برای دسترسی به کلیه منابع مهم جهان

نکته بسیار مهم دیگری که به مرور در صنایع داخلی امریکا اتفاق افتاده است ظهور کسانی است که با خریدن سهام دیگران به قیمت بالا اکنون هریک بیشترین سهام ابرکمپانی‌های دیجیتال را در دست دارند. این امر باعث می‌شود که تعداد انگشت شماری میلیاردی شناخته شده بتوانند به تنهایی کنترل این ابر کمپانی‌ها را در دست خود بگیرند: ایلان ماسک مالک ۲۰ درصد تسلا، ۴۲ درصد اسپیس ایکس و ۱۰۰ درصد ایکس (سابقا تویتر) است. ثروت او بیش از ۴۳۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

در واقع اکنون ایلان ماسک فاشیست همه کاره دولت ترمپ است و در همه امور اداره و اجرائی و بین‌المللی دخالت مستقیم دارد.

جف بزوس دومین فرد در لیست ثروتمندان فوربس نیز مشابه ماسک مالک بیشترین سهام در آمازون و کمپانی فضائی بلو اریجین (Blue Origin) و روزنامه واشینگتن پست است. ثروت بزوس بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

مارک زاکربرگ و همسرش نیز مالکین بزرگترین صاحبان سهام شرکت متا هستند که شامل فیس‌بوک، اینستاگرام و واتزآپ می‌شود. سرمایه آن‌ها که سومین میلیاردی‌های امریکا بشمار می‌آیند نیز بیش از ۲۳۰ میلیارد دلار است. لاری الیسون مدیرعامل اورکل نیز با ۲۰۰ میلیارد دلار ارزش مالی چهارمین ثروتمند جهان است. لاری پیچ مالک عمده سهام الفابت-گوگل نزدیک به ۱۷۰ میلیارد دلار ثروت دارد و همکار دیگرش در گوگل سرگی برین ۱۶۰ میلیارد دلار ارزش مالی اوست.

بیل گیت نیز بنیان‌گذار و مالک عمده سهام مایکروسافت ۱۶۰ میلیارد ارزش مالی دارد.

به‌طور کل از میان ۱۰ نفر ثروتمندترین افراد در جهان ۷ نفر ثروت خود را در بخش تکنولوژی بدست آورده اند. نگاه به این لیست نشان می‌دهد که چگونه شیفت در ساختار سرمایه داری از صنایع سنتی به صنایع دیجیتال صورت گرفته است. تمرکز ثروت در دست این تعداد معدود از نوآوران در این عرصه بالطبع نفوذ آن‌ها را نیز در ساختار دولت رقم زده است. به‌ویژه باید در نظر داشت که ۳ نفر اول نه تنها ثروت غیرقابل رقابتی دارند بلکه هر سه بر عناصر خودویژه ای در بخش رسانه‌های عمومی و اجتماعی نیز حکومت می‌کنند. انتخابات ۲۰۲۴ ریاست جمهوری امریکا تبلور این تغییر و شیفت عمده ارکان نفوذ بر دولت از بخش‌ها و سکتورهای سنتی به تکنولوژی را شهادت می‌دهد.

در مورد تمرکز قدرت ابرقدرت جهانی در دست ابر میلیاردرها!

تفاوت عمده‌ای که اکنون شاهد آن هستیم این حقیقت است که در ساختار قدیم سکتورهای مختلف صنعت سعی می‌کردند با رهبری دولت مرکزی به معامله دست بزنند و منافع خود را لابی کنند. این تقسیم‌بندی در سطح نفوذ به‌طور مثال کمپانی‌های نفتی، کمپانی‌های تسلیحات جنگی، کمپانی‌های اسلحه‌سازی سبک و شخصی، کمپانی‌های دارویی و غیره را شامل می‌شد. اکنون این لابی‌گری را هر یک از این هفت نفر برای تامین منافع شرکت خودشان انجام می‌دهند.

نکته دیگر آنست که اداره امور و تصمیم‌گیری‌ها در ساختار سنتی کمپانی‌های بزرگ را هیئت مدیره منتخب کنگره سهام‌داران و مدیر عامل منتخب هیئت مدیره در دست داشتند که در صورت عدم رضایت سهام‌داران که بیش‌تر محدود به منافع اقتصادی است، قابل تغییراند. در مورد ابر میلیاردرها چنین ساختار شبه‌دموکراتیکی نیز دیگر وجود ندارد، چرا که این افراد به تنهایی تصمیم‌گیرنده هستند و به‌طور مثال ایلان ماسک، تصمیم می‌گیرد که با خرید اکثریت سهام تویتر در بازار کنترل آن را به‌دست گیرد و از آن برای تبلیغ به نفع ترمپ استفاده کند. یا جف بزوس با خرید واشینگتن

پست یکی از مهمترین روزنامه‌های لیبرال کشور را تحت کنترل خود بگیرد و مثلاً در انتخابات ۲۰۲۴، آن روزنامه را از اعلام حمایت از کاندید مقابل ترمپ منع کند.

و از همه مهمتر آن‌که این مولتی میلیاردرها (حداقل در مورد دو سه نفر اول لیست) اکنون با سرمایه‌گذاری در صنایع موشکی و ماهواره‌های اکتشافی و مخابراتی می‌توانند نه تنها دولتی مانند ایالات متحده را مقهور قدرت خود کنند بلکه عملاً با نیروی ماهواره‌های خود هر کشوری که بخواهد در مقابل آن‌ها قرار گیرد را تهدید نمایند. این تهدیدها علاوه بر امکان جاسوسی از فضا و شنود مخابرات ان کشورها تا امکان خرابکاری در سیستم‌های نظامی و انرژی آن کشورها هم افزایش می‌یابد.

اساساً از وقوع انقلاب صنعتی برای دو قرن جنگ‌ها و کشورگشائی‌های استعماری در جهت دستیابی به معادن و منابع مورد نیاز کارخانجات صنعتی سنتی و به‌ویژه نفت صورت گرفت. دوران طولانی استعمار هند و کشورهای آفریقائی و امریکای جنوبی بیشتر برای استخراج معادن و در مواردی برای اشغال سرزمینی به جهت حفظ و کنترل آب‌راه‌های استراتژیک اتفاق افتادند.

به این ترتیب، دولت ترمپ منافع ابرسرمایه‌داران کنونی امریکا بر پایه‌هایی استوار است که اساساً با سیستم و منافع ساختار نظامی-نفتی سابق متفاوت است. به‌طور مثال، تمرکز حکومت و مالکان سابق بر آلمان‌هایی استوار بود که عمدتاً بر قدرت نظامی و به مقصود کنترل و توان دسترسی بدون خدشه بر منابع و نفوذ استراتژیک نظامی استوار بود. ساختار کنونی و منافع این سیستم سرمایه‌داری نیاز به امکانات نرم‌افزاری کشورها دارد و بیش از هر چیز نیازمند بازار فروش و نیروی انسانی موردنیاز در سکتور تکنولوژی است.

علاوه بر این بعنوان نیازهای معدنی صنایع تکنولوژی و موشکی از مواد خاصی مانند لیتیم و نیز رنیوم (Rhenium) می‌توان نام برد که از نظر حجمی بسیار نادر است و تنها در برخی ایالات مرکزی امریکا، و در شیلی، قزاقستان و در ایران در جوار معادن مس و مولیبدن پیدا شده است. بیش از ۸۰ درصد رنیوم در سراسر جهان در تولید سوپرآلیاژها استفاده می‌شود. این آلیاژها برای ساخت پره‌های توربین برای موتورهای موشک‌های بالستیک و هواپیماهای جت و موتورهای توربین گاز صنعتی بسیار مهم هستند. خواص دمای بالای رنیوم به این موتورها اجازه می‌دهد تا با تحمل‌های بالاتری طراحی شوند و در دماهای بالاتر از موتورهای ساخته شده با مواد دیگر کار کنند. کاربرد عمده دیگر رنیوم که حدود ۱۰ درصد از مصرف جهانی آن را به‌خود اختصاص می‌دهد، در کاتالیزورهای پلاتین-رنیوم است که در صنعت نفت برای تولید بنزین با اکتان بالا و بدون سرب استفاده می‌شود.

در میان کشورهای منطقه، ایران نه تنها منابع بی‌شماری مس، بلکه معادن مولیبدن و رنیوم نیز دارد. از تولید مولیبدن در هر سال ۲ تن رنیوم در ایران تولید می‌شود که به‌صورت گرد و غبار حاوی گاز هدر می‌رود.

ماده دیگر مورد نیاز برای ساخت باتری‌های اتومبیل‌های برقی و سلول‌های تولید برق از انرژی خورشیدی لیتیم است. صنعت لیتیم ایران نیز طی دو سال گذشته پیشرفت چشمگیری داشته است. در مارس ۲۰۲۳، مقامات ایرانی از کشف ۵/۸ میلیون تن ذخایر لیتیم در داخل ایران در نزدیکی همدان خبر دادند. اگر درست باشد، این دومین کشف بزرگ لیتیم پس از ذخیره ۲/۹ میلیون تنی در نمک‌زارهای شیلی خواهد بود. همچنین شایعاتی در ایران به گوش می‌رسد مبنی بر این‌که جمهوری اسلامی ایران هم عمداً به دریاچه ارومیه در استان آذربایجان غربی اجازه تبخیر برای استخراج لیتیم می‌دهد و هم برای این کار با چین همکاری می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، هر دو شایعه در مطبوعات فارسی را رد کرده است. تولید داخلی لیتیم و صنعت لیتیم بومی در ایران نیز می‌تواند تأثیر عمیقی بر محیط

استراتژیک داشته باشد. فناوری پیشرفته نظامی ایران همچنین به‌طور فزاینده‌ای باتری‌های لیتیومی را در هواپیماهای بدون سرنشین و روبات‌های زمینی و زیردریایی ادغام می‌کند.

تأثیرات فوری ابرسرمایه داران بر سیاست های داخلی ترمپ چیست؟

ابر سرمایه‌داران پایه‌ای اصلی دولت ترمپ هستند و شرایط نوینی را برای سیستم اداری ایالات متحده ایجاد کرده که در گذشته سابقه نداشته است. نحوه حکمرانی ترمپ و پشتیبانی بی‌چون و چرای جمهوری خواهان از او هر نوع شرط بندی بر روی رفتار ایالات متحده در روز بعد را غیر ممکن ساخته است. یک تیم از کارمندان ایلان ماسک مسوول پاکسازی دولت فدرال از کارمندی شده‌اند که با تشخیص شخصی او زاید هستند. عمدتاً این پاکسازی‌ها بخش‌هایی از دولت فدرال را که اجرای قوانین مربوط به حفظ محیط زیست و تامین برابری‌های انسانی را برعهده دارند و در قانون برای ممانعت از تبعیض‌های جنسیتی، نژادی و انسانی بر آن‌ها تصریح شده را نشان گرفته‌اند.

اکنون کارمندان تحت امر ماسک ضمن با اشغال اداره خدمات پرسنلی و حقوقی دولت فدرال تمام اسناد و داده‌های حفاظت شده مربوط به کارکنان دولت، میلیون‌ها مردمی که با اجلاس و مستمری بگیر دولت هستند و کسانی که تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دارند را در اختیار خود گرفته‌اند.

از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد که ترمپ و دستیار ارشد او ایلان ماسک از تجربه ویکتور اوربان در مجارستان و به‌ویژه دولت به‌غایت راست آرژانتین «خاویر مایلی» کپی‌برداری می‌کنند. رئیس جمهور آرژانتین که کمتر از دو سال است به‌قدرت رسیده در این مدت بسیاری از قوانین موجود آن کشور را که پس از سقوط دولت نظامی برقرار شده بود با فرآیندهای متوالی معکوس کرد و به‌طور جدی آزادی گسترده و بدون کنترل برای ثروتمندان و سرمایه‌داران را به‌قیمت حذف تامین اجتماعی و تضمین‌های قانون اساسی در آن کشور برقرار کرد.

خاویر مایلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، با شعار پائین آوردن تورم، کاهش هزینه‌های فدرال و بهبود اقتصاد برای انتخاب شدن مبارزه کرد. این شعارها شبیه به شعارهایی بود که ترمپ بر آن تبلیغ نمود. ترمپ او را «رئیس جمهور مورد علاقه خود» نامیده است. مایلی در مراسم تحلیف ترمپ شرکت کرد و در اولین لحظات دور دوم ریاست جمهوری او در مراسمی که رهبران جهان معمولاً به آن دعوت نمی‌شوند نیز به او پیوست.

مایلی، یک سرمایه‌دار فوق‌العاده ضد آزادی و برابری، به‌عنوان یک فرد خارجی وارد سیاست شد، در برنامه‌های تلویزیونی به شهرت رسید و به‌خاطر حرکت‌های عجیب و غریب و موهایی که در صورت او ریخته است شهرت دارد. این فقط لفاظی او نیست که چشم ترمپ را به‌خود جلب کرده است: در اولین سال ریاست جمهوری مایلی، او بر ترکیبی سرگیجه‌آور از کاهش هزینه‌ها و سیاست‌های مالی نظارت داشته است تا اقتصاد آرژانتین را از تنگناهای وخیم بیرون بکشد و دیدگاه سخت‌گیرانه‌اش را درباره دولتی که کمتر کار انجام می‌دهد، اجرا کند. ایلان ماسک و ویوک راماسوامی که ترمپ آن‌ها را به‌عنوان روسای مشترک هیات مشاوران غیردولتی جدید موسوم به «وزارت کارآمدی دولت» معرفی کرده است و هدف آن محدود کردن دولت فدرال است، دیدگاه مشابهی دارند.

خاویر مایلی در طی یک سال دولت خود، ۲۰ درصد از تمام کارمندان دولت را از کار برکنار کرد. بسیاری از ادارات دولتی از جمله آژانس مالیاتی و وزارت دارایی را تعطیل و بسیاری از خدمات دولتی از قبیل برق و آب و تلفون و خدمات شهری را به بخش خصوصی واگذار نمود.

تعداد آرژانتینی‌هایی که به‌عنوان فقیر مطلق طبقه‌بندی شده‌اند؛ کسانی که قادر به پرداخت حداقل سبد غذایی برای برآورده کردن نیازهای اساسی تغذیه نیستند؛ از نیمه اول سال ۲۰۲۲، زمانی که ۸/۸ درصد از آرژانتینی‌ها فقیر تلقی می‌شدند، بیش از دو برابر شده است. در نیمه اول سال ۲۰۲۴، این رقم به ۱۸.۱ درصد رسید. ادواردو لوی نیاتی،

استاد دانشگاه تورکواتو دی تلا در بوئنوس آیرس و عضو ارشد موسسه بروکینگز، تغییرات را چنین خلاصه می‌کند:
در آرژانتین «فقر، به جای تورم، به نگرانی اصلی تبدیل شده است.»

کتاب «چگونه مثل یک بیلیونر فکر کنید»

دونالد ترمپ، به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته و جنجالی دنیای تجارت و سیاست شناخته می‌شود. ترمپ متولد ۱۴ ژوئن ۱۹۴۶ در نیویورک است. او فعالیت‌های تجاری خود را با مدیریت شرکت خانوادگی‌اش آغاز کرد و به‌سرعت در صنعت املاک و مستغلات به شهرت رسید. او به خاطر پروژه‌های برجسته‌ای چون برج ترمپ و هتل‌های لوکس بسیار مشهور شد. ترمپ علاوه بر فعالیت‌های تجاری، به عنوان چهره تلویزیونی با برنامه «کارآفرین» نیز محبوبیت پیدا کرد. وی در سال ۲۰۱۶ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده انتخاب شد و دوران ریاست‌جمهوری‌اش با مباحثات و جنجال‌های زیادی همراه بود.

کتاب چگونه مثل یک بیلیونر فکر کنید، نتیجه تجربیات او در دنیای کسب‌وکار و نکات کلیدی است که به خوانندگان کمک می‌کند تا از شیوه‌های تفکر و استراتژی‌های او برای دستیابی به موفقیت استفاده کنند.

«در دنیایی که بیش از شش میلیارد جمعیت دارد، فقط پانصد و هشتاد و هفت بیلیونر وجود دارد. این یک باشگاه بسیار اختصاصی است. آیا دوست دارید به ما بپیوندید؟» این اولین جمله‌ای است که در این کتاب خواهید دید. شاید اولین دعوتی که ترمپ از شما به‌عمل می‌آورد. او یک بیلیونر است و در این کتاب اصولی ساده از بیلیونر بودن را به شما یاد می‌دهد. دونالد ترمپ می‌گوید: «البته احتمال موفقیت شما یک در بیلیون است؛ اما اگر مثل یک بیلیونر فکر کنید، این احتمال اندک نباید شما را ناامید کند. بیلیونرها به فرصت‌ها یا موانع اهمیت نمی‌دهند. ما به معقول بودن، به اینکه مردم چه فکر می‌کنند، چه چیزی متعارف است و یا چه چیزی انتظار می‌رود، فکر نمی‌کنیم. ما پیرو شهود و بینش خود هستیم و اهمیتی نمی‌دهیم که دیگران آن را ابلهانه یا احمقانه تصور کنند. این همان چیزی است که کتاب حاضر می‌خواهد به شما یاد بدهد: چگونه مثل یک بیلیونر فکر کنید؟»

ترمپ معتقد است که برای بیلیونر شدن، باید همه جزئیات را زیر نظر داشته باشید و بدون این‌که خداوند در کنارتان باشد، نمی‌توانید به این توانایی برسید. من حتی یکی از کارهایم را نیز نمی‌توانستم با راهی غیر از این پیش ببرم. وقتی با یک پیمان‌کار حرف می‌زنم، یا برای بازبینی کارگاهی می‌روم، یا برای رونق بخشیدن به کاری برنامه‌ریزی می‌کنم، هیچ امر جزئی یا نکته‌ای آن‌قدر کوچک نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. من حتی سعی می‌کنم تمام چک‌هایم را خودم امضاء کنم. به عقیده من، هیچ چیز بدتر از «امضای رایانه‌ای» یا «امضای از طرف» نیست. وقتی شما خودتان یک چک را امضاء می‌کنید و از طرفی، گیرنده چک نیز وقتی امضای شما را پای چک می‌بیند، متوجه می‌شود که مراقب او هستید و خدای ناکرده کمتر می‌تواند سرتان کلاه بگذارد چون می‌داند شما در جریان همه جزئیات قرار دارید.»

ترمپ در این کتاب درباره چگونگی اجاره یک خانه، خرید و یا فروش آن صحبت می‌کند. درباره عادت‌هایی که می‌تواند به افراد کمک کند تا در هر سطح مالی بتوانند پول‌های خود را ذخیره کنند و یا افزایش دهند.

یکی از جملات مورد تاکید ترمپ در این کتاب، وقتی درباره عادت‌های سازنده اشخاص بیلیونر صحبت می‌کند این است: «خود را همچون ارتشی یک نفره در نظر بگیرید؛ شما هم فرمانده‌اید و هم سرباز. باید به تنهایی برنامه‌ریزی و به تنهایی اجرا کنید.» «به‌طور معمول مردم تجارت را به جنگ یا ورزش تشبیه می‌کنند؛ زیرا، اولین قیاس یا شباهتی که به ذهن ما می‌رسد، نه این‌که به واقع تجارت سخت یا طاقت‌فرسا باشد. نه، این‌طور نیست. در تجارت بیش‌تر باید

باهوش باشی تا قوی. من تاجران بسیار بدی را می‌شناسم که سخت‌گیر و خشن هستند، اما باهوش و زیرک نیستند. آن‌ها سعی می‌کنند مثل وینسی لومبادی بازی کنند، اما نمی‌دانند چه‌طور ببرند. لومبادی به حریفانش ضربه می‌زد، حتی به صورت‌شان، او حریفی سیصد کیلوئی را به زانو انداخت. او می‌توانست این‌کار را بکند چون در آخر، برد با او بود. بنابراین، شما هم زمانی می‌توانید این کار را انجام دهید که بدانید برد با شماست.» ترمپ در بخشی از این کتاب درباره یکی از سئوال‌هایی که مسأله روزمره بسیاری از افراد است، صحبت به میان می‌آورد: «چه‌طور سرمایه‌گذار خوبی باشیم؟»

ترمپ یکی از رموز کلیدی پاسخ به این سؤال را این‌گونه می‌دهد: «سرمایه‌گذاران خوب دانش‌آموزان خوبی هستند. بله، به همین سادگی فقط کافی است دانش‌آموز خوبی باشید. من روزانه ساعت‌ها به خواندن مطالب اقتصادی می‌پردازم. ما هیچ وقت نمی‌دانیم فکر بکر بعدمان از کجا می‌آید. شما باید در جریان جدیدترین اخبار صنعت خود و حتی فراتر از آن هم می‌آید. بی‌خبری از اخبار و وقایع دنیای اطرافتان می‌تواند به اعتبار و حساب بانکی شما لطمه زیادی بزند.» همچنین در بخشی دیگر از این کتاب ترمپ به بحث کلاهبرداری و تشخیص آن می‌پردازد و قانون اولیه و جالبی در این مورد را مطرح می‌کند. اگر آن‌قدر پیشنهادی عالی است که برایتان غیرقابل باور است، بی‌تردید کلاهبرداری است. فوننی که ترمپ در این کتاب به آن‌ها اشاره کرده، برای به راه انداختن تجارتی پرسود می‌تواند سودمند باشد. چرا که او دل‌بازانه افکار و راهکارهای خود را با مردم در این کتاب تقسیم کرده است.



نتیجه‌گیری

فدراسیون روسیه دارای هشت یخ شکن هسته‌ای است. در حالی که تنها کشتی مشابه امریکائی ساخت سال ۱۹۷۶ و سوخت آن گازوئیل و گاز است. ترمپ در دوره ریاست جمهوری قبلی خود، در مه ۲۰۱۷، قول داد که دولت وی یک یخ‌شکن سنگین و «در صورت امکان، حدود ده ناوشکن دیگر» بسازد. گارد ساحلی امریکا منتظر تحویل اولین آن‌ها ... در سال ۲۰۲۹ است.

در مورد منابع معدنی فرضی، گرینلندی‌ها برای یافتن سرمایه‌گذار در تلاش هستند زیرا شرایط عملیات استخراج دشوار است. برای راه اندازی یک کارخانه آلومینیوم در نزدیکی نیروگاه برق آبی، غول امریکائی Alcoa در نهایت ایسلند را ترجیح داد. بارزترین نشانه بی‌علاقگی اقتصادی به منطقه، عدم وجود پروازهای مستقیم غیرنظامی به امریکای شمالی است. یونایتد ایرلاینز قرار است اولین پرواز را در ماه ژوئن آینده، به‌طور عمده برای گردشگری، افتتاح کند.

اکنون ترمپ سرمایه‌دار در مقام ریاست جمهوری ایرقدرت ایالات متحده امریکا، یک جنگ تعرفه راه انداخته است. در جنگ در جنگ جناحی خود برای بازسازی حزب جمهوری‌خواه از سال ۲۰۱۵ تا کمپین ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴، ترمپ به دنبال جذب آن‌چه که به اصطلاح «بازندگان جهانی‌سازی» نامیده می‌شود، بود: سرمایه‌داران کوچک و متوسط داخلی که در بخش‌هایی مانند خدمات، تولیدات سبک و اکتشاف انرژی منطقه‌ای فعالیت داشتند.

اگر در سال ۲۰۱۶ بخش زیادی از سرمایه‌های جهانی‌محور نسبت به ترمپ بدبین یا بی‌طرف بودند، تا سال ۲۰۲۴ دیدگاه آن‌ها تغییر کرد.

اما آنچه بیش‌تر قابل توجه است، هجوم ابرمیلیاردرهای دنیای فناوری به سمت حمایت از ترمپ است؛ افرادی مانند ایلان ماسک از X/Tesla، مارک زاکربرگ از متا، جف بزوس از آمازون و ساندار پیچای از گوگل-آلفابت. کابینه ترمپ هم تصویری مشابه از میلیاردها دلار را به نمایش می‌گذارد که توسط میلیاردرهایی از دنیای پر رمز و راز ارزهای دیجیتال و شرکت‌هایی مانند صندوق جورج سوروس، کانفتور فیتزجرالد، جی‌پی مورگان چیس و پی‌پال پر شده است.

چرا این سرمایه‌داران که ظاهراً جهانی‌محور بودند، به حمایت از محافظه‌کارترین نامزد ریاست جمهوری در یک قرن اخیر روی آوردند؟ برای برخی از آن‌ها، این موضوع به معنای تقویت نفوذ خود بر هر کسی است که در آن زمان در قدرت باشد، اما برای برخی دیگر، این تصمیم واکنشی به تغییرات در اقتصاد جهانی است.

آن‌ها نه تنها خواهان کاهش مالیات و کاهش مقررات هستند، بلکه ترسی مرگبار از رقابت دارند. مانند طبقه سرمایه‌داری اوایل قرن بیستم، وقتی که با خطر مواجه می‌شوند، بخش فزاینده‌ای از بورژوازی امروز آماده است تا تجارت آزاد جهانی را کنار بگذارد و به سمت بازاری بسته‌تر حرکت کند (یک بلوک امپریالیستی یا حوزه نفوذ)، جایی که رقابت کاهش می‌یابد و انحصار تضمین می‌شود.

ترمپ، تنها راه واقعی برای بازگرداندن تسلط انحصاری ایالات متحده است، که آن‌ها می‌بینند در حال از دست رفتن است، زیرا چین و روسیه و رقبای کوچک‌تر کشورهای BRICS در حال ظهور هستند.

برای بازگرداندن سودها و بازپس‌گیری کنترل، تعرفه‌ها، جنگ‌های تجاری و تهدید به تسخیر مستقیم، اسلحه‌های ترجیحی این بخش از طبقه حاکم هستند. اجرای استراتژی آن‌ها به صورت یک حمله برق‌آسا، چیزی است که جهان هم‌اکنون در حال مشاهده آن است.

بنابراین، در این زمینه گسترده‌تر، آنچه به‌نظر بی‌معنی می‌آید، اکنون معنادار می‌شود. کارشناسان رسانه‌های اصلی و تحلیل‌گران لیبرال در تعجب هستند که چرا ترمپ جنگ‌های تجاری را با بزرگترین متحدان و شرکای تجاری ایالات متحده، مانند کانادا، مکزیک و دیگر کشورهای امریکای لاتین آغاز کرده است.

همین موضوع درباره رویکرد به دانمارک و منابع غنی گرینلند هم صدق می‌کند. این که آیا یا تا چه حد این تاکتیک‌ها موثر خواهند بود، سئوالی که هنوز باز است.

پاناما تسلیم شد و اعلام کرد که از شراکت اقتصادی جاده ابریشم چین خارج خواهد شد. کلمبیا شرایطی را برای اعزام افراد دیپورت‌شده به فرودگاه‌های خود مذاکره کرد، اما دیپورت‌شدگان همچنان وارد می‌شوند. در همین حال، رئیس‌جمهور السالوادور به همدستی در زمینه اخراج و زندانی کردن افراد تبدیل شد. در مقابل، در کانادا و مکزیک، سیاستمداران از طیف‌های مختلف سیاسی و رسانه‌ها توانستند حمایت عمومی را در کشورهای خود برای اقدامات تلافی‌جویانه جلب کنند و به‌طور موفقیت‌آمیز فشار آوردند تا آغاز تعرفه‌ها به تاخیر بیفتد.

در کنفرانس امنیتی مونیخ، درگیری شدید بین نماینده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی پیش آمد و به دنبال علنی شدن اختلافات بین اتحادیه اروپا و ناتو با آمریکا، بلافاصله مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه، یک جلسه اضطراری برای برخی مقامات دولت‌های اروپایی برگزار کرد اما نتیجه ملموسی نداشت.

در چنین روندی، بدون حضور اروپا و اوکراین، نمایندگان ترمپ و نوتین در عربستان بر سر پایان جنگ روسیه و اوکراین مذاکره کردند و پیش زمینه‌های دیدار ترمپ و پوتین در عربستان را هموار کردند.

زلنسکی رئیس جمهور اوکراین، تلاش کرد با سفر به امارات و ترکیه، خودش را به عرستان برساند اما هیچ دعوتی از او به عمل نیامد و اجباراً اعلام کرد از سفر به عربستان منصرف شده است.

به این ترتیب، ترمپ در راستای منافع سرمایه‌داری امریکا، شکاف بزرگی در میان دولت‌های سرمایه‌داری ایجاد کرده است. او سعی دارد به هر بهائی به منابع و بازارهای جهانی دسترسی پیدا کند. جنگ‌هایی که به ضرر سرمایه‌داری است خاتمه دهد و در مقابل جنگ طبقاتی را تشدید کند.

کارل مارکس و فردریش انگلس در «مانیفست کمونیست» در سال ۱۸۴۸ عنوان کردند که: نیاز مداوم به گسترش بازار برای فروش محصولات، بورژوازی را وادار می‌کند تا به سراسر جهان نفوذ کند.

مارکس در کتاب کاپیتال یا سرمایه، این پدیده را نتیجه طبیعی انحصار در بازار داخلی می‌داند و توضیح می‌دهد: «با تمرکز سرمایه در دست گروهی محدود، روندی آغاز می‌شود که تمام ملت‌ها را به بازار جهانی وابسته می‌کند و در نتیجه، سرمایه‌داری به یک نظام بین‌المللی تبدیل می‌شود.»

تحلیل‌های مارکس و انگلس، نشان داد که تلاش برای به دست آوردن منابع موردنیاز جهت تولید کالا و همچنین یافتن بازارهای فروش برای این کالاها، سرمایه‌داری را وادار می‌کند تا همواره فراتر از مرزهای بازارهای ملی گسترش یابد.

این دو در دورانی می‌نوشتند که مسأله تجارت آزاد در برابر حمایت‌گرایی بر بحث‌های اقتصادی تسلط داشت؛ دوره‌ای که سرمایه‌داری بریتانیا قدرت برتر جهان بود، اما سرمایه‌داران در مورد بهترین سیاست تجاری برای مستعمرات و قدرت‌های اقتصادی رقیب اختلاف نظر داشتند.

برخی سرمایه‌داران که به بازار داخلی برای تولید و فروش محصولاتشان متکی بودند، خواستار تعرفه‌های حمایتی بودند تا خود را از رقابت خارجی حفظ کنند. اما بخش دیگری از سرمایه‌داران (به‌ویژه سرمایه‌داران بزرگ در حوزه تولید) چنان رشد کرده بودند که برای تداوم فعالیت‌های خود به‌صورت کارآمد و سودآور، به تامین‌کنندگان، مشتریان و حتی نیروی کار خارجی نیاز داشتند.

مارکس و انگلس، به‌عنوان رهبران جنبش بین‌المللی کارگری، راه‌های کلان مبارزه با سرمایه‌داری را در مقابل فعالین جنبش کارگری و کمونیستی قرار داده‌اند اما با تغییر شرایط تاریخی و مناسبات سرمایه‌داری باید راه‌ها جدید سرمایه‌داری را با استفاده از تجارب تاریخی انقلاب‌ها و تئوری‌های مارکس، یاد گرفت.

انگلس در آن زمان نوشت: «ما هیچ قصدی برای دفاع از تعرفه‌های حمایتی بیش از تجارت آزاد نداریم، بلکه هدف ما نقد هر دو سیستم است.» این دو، به ریاکاری نهفته در این بحث اشاره کرده و تأکید کردند که سرمایه‌داران هیچ اصول ثابتی ندارند و تنها بر اساس سودآوری لحظه‌ای خود تصمیم می‌گیرند.

تمام سرمایه‌داران خواهان حمایت‌گرایی بودند، به‌ویژه زمانی که صنایع آن‌ها در مراحل ابتدایی خود قرار داشت یا با تهدید رقابت فزاینده مواجه می‌شدند.

در ایدئولوژی آلمانی، بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی چنین نوشتند:

صنعت (به‌معنای سرمایه صنعتی) همواره تحت حمایت تعرفه‌های حمایتی در بازار داخلی، انحصارات در بازارهای استعماری، و در سطح بین‌المللی تا حد امکان تحت تأثیر تعرفه‌های ترجیحی قرار داشت. صنعت بدون حمایت نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد، زیرا در صورت بروز کوچکترین تغییری در سایر کشورها، ممکن بود بازار خود را از دست بدهد و نابود شود.

در حالی که مارکس و انگلس از تلاش‌های حمایتی مستعمرات و کشورهای در حال توسعه برای تقویت صنایع خود در برابر تهاجمات اقتصادی قدرت‌های امپریالیستی حمایت می‌کردند و با کارگرانی که در برابر بیکاری ناشی از تجارت مبارزه می‌کردند همدلی داشتند، همواره نسبت به توجیهاتی که کشورهای بزرگ سرمایه‌داری برای اعمال تعرفه‌ها ارائه می‌دادند، بدبین بودند.

انگلس حمایت‌گرانی (حمایت دولتی از صنایع داخلی از طریق تعرفه‌ها) را در قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری از همه بدتر می‌دانست. وی تأکید می‌کرد که «طرفداران سیستم حمایتی همواره مدعی هستند که این سیاست به نفع رفاه طبقه کارگر است.» اما، به گفته او، کارگران آگاه «به‌خوبی می‌دانند که این یک توهم پوچ است... چه تعرفه‌های حمایتی باشد، چه تجارت آزاد، یا ترکیبی از هر دو، مزد کارگر از حداقل میزان لازم برای گذران زندگی‌اش فراتر نخواهد رفت.»

مارکس و انگلس می‌دانستند که به‌طور کلی، فرقی نمی‌کند که کدام سیاست در اقتصادهای سرمایه‌داری پیشرو حاکم باشد؛ زیرا هر سیاستی به نفع سرمایه و به ضرر طبقه کارگر در سراسر جهان استفاده می‌شود. آن‌ها، همچنین آگاه بودند که تعرفه‌ها، به‌عنوان یک ابزار اقتصادی، به تدریج به درگیری‌های فزاینده‌ای بین سرمایه‌داران کشورهای رقیب منتهی می‌شود. همان‌طور که انگلس گفته بود:

«حمایت‌گرانی در بهترین حالت یک دوربی‌پایان است، و هیچ‌وقت نمی‌دانید کی تمام می‌شود.» هرگاه دولتی تصمیم می‌گیرد از یک صنعت خاص حمایت کند (مثلاً با اعمال تعرفه‌های حمایتی)، این حمایت به طور غیرمستقیم به سایر صنایع آسیب می‌زند. بنابراین، دولت مجبور می‌شود برای حمایت از صنایع دیگر هم اقدام کند تا از آسیب‌دیدن آن‌ها جلوگیری کند.

با آن‌چه که در بالا گفته شد این سؤال بسیار مهم و حیاتی مطرح است که اکنون در مقابل جنبش‌های کارگری و آزادی‌خواه و کمونیستی قرار دارد، و واکنش کارگران می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به نتیجه‌گیری نبرد درون طبقه حاکم ایفا کند. مارکس، هشدار داده بود که اگر طرفداران حفاظت‌گرانی در میان طبقه سرمایه‌دار به‌طور صادقانه و آشکار با کارگران سخن بگویند، خواهند گفت: «بهتر است توسط هم‌وطنان خود استثمار شوی تا توسط بیگانگان.» در چنین شرایطی، مهم است که طبقه کارگر ایالات متحده با چنین تفکرات مخرب سرمایه‌داری مقابله کند، هرچند که این کار دشوار باشد. کارگران در ایالات متحده به‌طور قابل‌فهمی احساس بسیار بدی به هر دو حزب سیاسی موجود به ویژه اکنون به دولت ترمپ سرمایه‌دار دارند و بسیاری از آن‌ها آماده‌اند تا جنبش نوینی را امتحان کنند که به‌منظر می‌رسد جدید و متفاوت و متناسب با شرایط کنونی جامعه سرمایه‌داری است.

هر چند که به‌منظر می‌رسد بخشی از طبقه کارگر امریکا به حامیان ترمپ پیوسته‌اند؛ آن‌ها بخش اصلی پایگاه بزرگ «امریکا را دوباره به عظمت برسانیم» را تشکیل می‌دهند. در حالی که بسیاری از آن‌ها، به مسائلی مانند نژاد، مذهب، سقط جنین، مهاجرت، جنسیت، از دست دادن شغل و موارد دیگر اعتراض دارند.

بخش دیگری از طبقه کارگر و اکثریت اتحادیه‌های کارگری، سیاه‌پوستان امریکائی و بخش‌های قابل‌توجهی از جوامع مهاجر و... از تقسیم شدن خودداری کرده‌اند و به‌جای آن هسته مقاومت علیه حرکت ترمپ به سمت سیاست‌های فاشیستی را تشکیل داده‌اند. یک بخش دیگر و بسیار بزرگ از طبقه کارگر همچنان از سیاست‌ها بی‌تفاوت باقی مانده‌اند. تجربه تاریخی نشان داده است که سیاست‌های حمایت‌گرایانه‌ای که ترمپ به دنبال اجرای آن‌هاست، به کارگران کمکی نمی‌کند، همان‌طور که مارکس و انگلس بیش از ۱۷۵ سال پیش هشدار داده بودند. سرمایه‌داران تنها به حداکثر کردن

سود خود علاقه‌مندند و آن‌ها این هدف را به ضرر نه تنها سرمایه‌داران خارجی، بلکه جدیدتر از همیشه به ضرر کارگران در سراسر جهان دنبال خواهند کرد.

به همین دلیل است که اکنون جوامع آزادی‌خواه جهانی و جنبش‌های اجتماعی، نیاز دارند تا کارگران ارتباطات بین‌المللی خود را بسازند و راه‌هایی برای هماهنگ کردن پاسخ‌های خود به این حملات سرمایه‌داری پیدا کنند. همان‌طور که که مارکس، تاکید کرده است:

«تا زمانی که رابطه کار مزد و سرمایه وجود داشته باشد، مهم نیست شرایطی که تبادل کالا در آن صورت می‌گیرد چه قدر مطلوب باشد، همیشه طبقه‌ای خواهد بود که استثمار می‌کند و طبقه‌ای که استثمار می‌شود.»!

دوشنبه ششم اسفند-حوت- ۱۴۰۳- بیست و چهارم فیروزی ۲۰۲۵